



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

خدیجہ علیہا السلام

پرترین همسر پیامبر ﷺ

صدیقہ

طاهرہ

السلام علیک یا

خدیجہ

سلام اللہ علیا

مرضیہ

رکبہ



عبداللہ علی بخششی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خديجه سلام الله عليها برترين همسر پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم

نويسنده:

عبدالله علي بخشي

ناشر چاپي:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه عليها السلام

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	خدیجه سلام الله علیها برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۶	مقدمه کنگره
۱۸	مقدمه
۲۰	پیش گفتار
۲۲	فصل اول: اصالت خانوادگی
۲۲	اشاره
۲۷	حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام
۳۰	فصل دوم: همسر و فرزندان خدیجه سلام الله علیها قبل از اسلام
۳۰	اشاره
۳۲	همسر اول
۳۴	همسر دوم
۳۶	رؤیای نورانی
۳۸	معرفی پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم به خدیجه علیها السلام
۳۹	آغاز همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام
۴۲	سفر تجارتي حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای خدیجه علیها السلام
۴۵	گزارش میسر به خدیجه علیها السلام
۴۶	فصل سوم: علاقه خدیجه سلام الله علیها به حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۴۶	اشاره
۵۰	سفیر عشق
۵۱	آیین ازدواج

۵۶	فصل چهارم: حضرت خدیجه سلام الله علیها اولین زن مسلمان
۵۶	اشاره
۶۰	نکاتی کوتاه از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام
۶۰	اشاره
۶۱	شناخت کافی از همدیگر قبل از ازدواج
۶۱	تأثیر نگذاشتن فاصله طبقاتی
۶۲	عدم تأثیر اختلاف سنی
۶۲	داشتن علاقه به همدیگر همراه با حفظ حرمت بزرگان
۶۳	داشتن معیار و ملاک برای شریک زندگی خود
۶۴	فخر فروشی نکردن بر همدیگر
۶۵	تأثیر نگذاشتن گفته ها و زخم زبان دیگران بر زندگی آنان
۶۵	اطاعت پذیری از همسر
۶۶	احترام به شخصیت پیامبر
۶۷	درک همدیگر
۶۷	ثروت حضرت خدیجه علیها السلام در خدمت اسلام
۷۰	علی علیه السلام در خانه خدیجه علیها السلام
۷۵	فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام
۷۹	تولد حضرت فاطمه علیها السلام
۸۱	نخستین نماز جماعت و نمازگزاران
۸۴	دلواپسی های حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به آینده حضرت فاطمه علیها السلام
۸۵	همسر داری حضرت خدیجه علیها السلام
۸۸	ادب حضرت خدیجه علیها السلام
۹۱	جود و بخشش حضرت خدیجه علیها السلام
۹۳	صبر و بردباری حضرت خدیجه علیها السلام
۹۵	هوش و ذکاوت حضرت خدیجه علیها السلام
۹۷	خانه حضرت خدیجه علیها السلام

۱۰۲	فصل پنجم: حضرت خدیجه سلام الله عليها در قرآن
۱۰۲	اشاره
۱۰۷	خدیجه کبری عليها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	حدیث اول: حدیث خیریه
۱۰۹	حدیث دوم: حدیث تفضیل
۱۰۹	حدیث سوم: حدیث افضلیت حضرت خدیجه در بهشت
۱۱۰	حدیث چهارم: زنان خیر دو جهان
۱۱۰	حدیث پنجم: زنان سرور جهان
۱۱۰	حدیث ششم: با کمال ترین زنان هستی
۱۱۱	حدیث هفتم: بهترین جده ها
۱۱۱	روایات نقل شده از حضرت خدیجه عليها السلام
۱۱۶	مقام حضرت خدیجه عليها السلام نزد خدا
۱۱۸	مقام خدیجه عليها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
۱۲۱	حضرت خدیجه عليها السلام در گفتار ائمه معصومین علیهم السلام
۱۲۶	فصل ششم: وصیت حضرت خدیجه سلام الله عليها
۱۲۶	اشاره
۱۲۹	وفات حضرت خدیجه عليها السلام
۱۳۱	عام الحزن و پیامدهای آن
۱۳۴	مرقد مطهر حضرت خدیجه عليها السلام
۱۳۶	حرز حضرت خدیجه عليها السلام
۱۳۸	فهرست منابع و مأخذ
۱۴۴	درباره مرکز

خدیجه سلام الله علیها برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مشخصات کتاب

سرشناسه : علی بخشی، عبدالله، 1340 -

عنوان و نام پدیدآور : خدیجه سلام الله علیها برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم [کتاب] / تالیف عبدالله علی بخشی.

مشخصات نشر : قم : آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1391.

مشخصات ظاهری : 136 ص.؛ 14×21 س.م.

فروست : آستان مقدس قم مدیریت پژوهشی؛ 70. زائر؛ 241.

شابک : 28000 ریال 2-224-180-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه: ص. [131] - 136؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : خدیجه (س) بنت خویلد، 68 - 3 قبل از هجرت.

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : 26/2BP/ع76خ4 1391

رده بندی دیویی : 297/9722

شماره کتابشناسی ملی : 2814860

ص : 1

اشاره

خديجه سلام الله عليها برترين همسر پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم

تاليف عبدالله على بخشى.

ص: 3

فهرست مطالب

مقدمه کنگره 9

مقدمه 11

پیش گفتار 13

فصل اول:

اصالت خانوادگی

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام 20

فصل دوم:

همسر و فرزندان خدیجه سلام الله علیها قبل از اسلام

همسر اول 25

همسر دوم 27

رؤیای نورانی 29

معرفی پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم به خدیجه علیها السلام 31

آغاز همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام 32

ص: 5

سفر تجارتي حضرت محمد صلی الله عليه و آله و سلم برای خديجه عليها السلام 35

گزارش میسر به خديجه عليها السلام 38

فصل سوم:

علاقه خديجه سلام الله عليها به حضرت محمد صلی الله عليه و آله

سفیر عشق 43

آیین ازدواج 44

فصل چهارم:

حضرت خديجه سلام الله عليها اولین زن مسلمان

نکاتی کوتاه از ازدواج پیامبر صلی الله عليه و آله و سلم با خديجه عليها السلام 53

شناخت کافی از همدیگر قبل از ازدواج 54

تأثیر نگذاشتن فاصله طبقاتی 54

عدم تأثیر اختلاف سنی 55

داشتن علاقه به همدیگر همراه با حفظ حرمت بزرگان 55

داشتن معیار و ملاک برای شریک زندگی خود 56

فخر فروشی نکردن بر همدیگر 57

تأثیر نگذاشتن گفته ها و زخم زبان دیگران بر زندگی آنان 58

اطاعت پذیری از همسر 58

احترام به شخصیت پیامبر 59

درک همدیگر 60

ص: 6

ثروت حضرت خدیجه علیها السلام در خدمت اسلام 60

علی علیه السلام در خانه خدیجه علیها السلام 63

فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام 68

تولد حضرت فاطمه علیها السلام 72

نخستین نماز جماعت و نمازگزاران 74

دلواپسی های حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به آینده حضرت فاطمه علیها السلام 77

همسر داری حضرت خدیجه علیها السلام 78

ادب حضرت خدیجه علیها السلام 81

جود و بخشش حضرت خدیجه علیها السلام 84

صبر و بردباری حضرت خدیجه علیها السلام 86

هوش و ذکاوت حضرت خدیجه علیها السلام 88

خانه حضرت خدیجه علیها السلام 90

فصل پنجم:

حضرت خدیجه سلام الله علیها در قرآن

خدیجه کبری علیها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم 100

حدیث اول: حدیث خیریه 101

حدیث دوم: حدیث تفضیل 102

حدیث سوم: حدیث افضلیت حضرت خدیجه در بهشت 102

حدیث چهارم: زنان خیر دو جهان 103

ص: 7

حدیث پنجم: زنان سرور جهان 103

حدیث ششم: با کمال ترین زنان هستی 103

حدیث هفتم: بهترین جده ها 104

روایات نقل شده از حضرت خدیجه علیها السلام 104

مقام حضرت خدیجه علیها السلام نزد خدا 109

مقام خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم 111

حضرت خدیجه علیها السلام در گفتار ائمه معصومین علیهم السلام 114

فصل ششم:

وصیت حضرت خدیجه سلام الله علیها

وفات حضرت خدیجه علیها السلام 122

عام الحزن و پیامدهای آن 124

مرقد مطهر حضرت خدیجه علیها السلام 127

حرز حضرت خدیجه علیها السلام 129

فهرست منابع و مأخذ 131

مرقد مطهر حضرت خدیجه علیها السلام 127

حرز حضرت خدیجه علیها السلام 129

فهرست منابع و مأخذ 133

ص: 8

سبقت در اسلام، اولین زن مسلمان بودن، بیشترین صحبت و معاشرت با پیامبر داشتن، مورد محبت و اشتیاق رسول خدا بودن، انفاق بی نظیر، حمایت از پیامبر اکرم در سخت ترین ایام، اولین همسر پیامبر بودن، مادر فاطمه زهرا سیده النساء العالمین، از همه بالاتر کسی که فرشته امین وحی الهی سلام و تحیت خداوند را بر او آورده است و... گوشه هایی از فضائل و مناقب بانویی است که همه ائمه معصومین علیهم السلام به فرزندی او افتخار می کنند.

ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها بانویی است که الگو، سرمشق و قله کمال انسانیت برای ابدیت تاریخ است.

ایشان کسی است که عفت و حیاء را معنادار و آزادگی و شهامت را واقعیت و خداپرستی و اطاعت محض از رسول خدا را تبلور عینی بخشید.

خدیجه کبری کسی است که نقش و سهم بی بدیل او در پیشرفت دین خدا تنها با حضرت علی علیه السلام قابل مقایسه است.

اینک در هزار و پانصدمین سال ولادت آن بزرگ بانوی اسلام، آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها جهت معرفی پرتوی از مشکات فضائل آن حضرت مفتخر است که با عنایت تولیت معظم حضرت آیت الله سید

محمد سعیدی زیدعزه کنگره ای را برگزار نموده و ابعاد وجودی این بانویی که همه دنیای اسلام و مسلمانان و بلکه همه بشریت مدیون و مرهون خدمات او هستند را بقدر توان و وسع خود معرفی کند.

آنچه که اکنون پیش رو دارید اولین اثر از آثار این کنگره است که تقدیم علاقمندان می شود.

لازم است در اینجا از نگارنده عالم و فرهیخته حضرت حجت الاسلام والمسلمین عبدالله بخشی که اثری سودمند و شایسته را ارائه نموده اند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

مدیریت پژوهشی

آستان مقدس

رجب 1433 ق.

ص: 10

حضرت خدیجه علیها السلام برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که نسبت به سایر همسران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیشترین و پر مشقت ترین دوران زندگی را در کنار آن حضرت داشته است.

وی بیست و پنج سال در سخت ترین دوران ظهور اسلام، در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گذراند. بخشی از زندگی آن حضرت در قبل از بعثت واقع شد، بخشی دیگری در دوران کتمان و پنهان بودن دعوت اسلامی قرار داشت و بخشی نیز در دوران محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب گذشت.

آن حضرت در طول دوران سخت و پر مشقت زندگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لحظه ای از یاری آن حضرت دست نکشید و تمام هستی اش را جهت گسترش اسلام و کمک به مسلمانان تقدیمی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود.

آزار و اذیت های کفار، زخم زبانهای زنان مکه، مشکلات و سختی های تبعید در شعب ابی طالب او را از یاری رسول اکرم خسته ننمود و هیچگاه جمله ای که رسول خدا را آزرده نماید، بر زبان جاری نساخت.

سپاس بیکران خدای را سزا است که بشر را خلق و برای هدایت او به سر منزل سعادت و رساندن به مقام خلیفه الهی، رسولان برگزیده خود را یکی پس از دیگری همراه با کتب آسمانی مبعوث نمود.

سلام و صلوات خدا بر همه انبیاء و رسولان الهی علیهم السلام، خصوصاً خاتم پیغمبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام که حجت های خدا بر بشر و علم های هدایت برای پویندگان راه رشد و جویندگان طریق حق می باشند.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام برترین همسر پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم اسلام از چنان مقام والا و عظمتی برخوردار است که هیچ نگارنده چیره دست و با مهارتی، نمی تواند ابعاد شخصیت و ویژگی های اعتقادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی آن حضرت را تبیین نماید.

شیوه زندگی، روش های تربیتی، رفتارهای اجتماعی، آیین همسررداری و هنرها و مهارت تربیتی وی، الگوی بسیار کامل و جامعی برای کلیه مسلمانان، خصوصاً زنان جامعه امروزی است که بدنبال الگوهای زندگی سالم و سازنده می باشند.

ایمان، اخلاص، ایثار، صبر، از خود گذشتگی، وفاداری و حمایت همه جانبه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در طول دوران سخت و پر مشقت قبل و پس از بعثت، او را به مقامی رساند که خدای سبحان سلامش رساند و وعده بهترین جایگاه در بهشت را به وی داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را برترین همسر خود معرفی کرد که هیچکس برابر با او نشد.

گرچه اطلاعات و اخبار زیادی از زندگی، فراز و نشیب بیست و پنج ساله بانوی بزرگ اسلام با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثبت نشده است اما آن مقدار کمی هم که مورخین ذکر کرده اند، نشان دهنده عظمت، عزت، صبر، استقامت، ایمان و وفاداری ایشان به اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

در این نوشتار کوتاه که در شش فصل تنظیم گردیده، سعی شده است در هر فصل به گوشه ای از ویژگی های فردی و اجتماعی و همچنین خصوصیات اخلاقی و رفتاری آن حضرت در عرصه های مختلف پرداخته شود. امید است این ناچیز، آغازی برای تدوین تاریخ کامل زندگی پر افتخار و با عظمت حضرت خدیجه علیها السلام که تاکنون توجه بایسته و شایسته به آن نشده، باشد.

در نهایت بر خود لازم می دانیم از تلاشها و عنایات حضرت حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی که جرقه اولیه نوشتار را در ذهنم ایجاد نمود و پس از آن نیز زحمات زیادی را متقبل و تلاشهای ارزشمندی نمود، تشکر و قدردانی نمایم.

عبدالله علی بخشی

اردیبهشت 1391

ص: 14

حضرت خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل و شصت و هشت سال قبل از هجرت، در شهر مکه دیده به جهان گشود.

پدرش خویلد ابن اسد ابن عبدالعزی ابن قصی است. «اسد بن عبدالعزی» جد خدیجه، یکی از اعضای برجسته پیمان حلف الفضول⁽¹⁾ است.

جد چهارم خویلد «قصی بن کلاب» است که جد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز می باشد.⁽²⁾

عبدالعزی، جد خویلد و عبدمناف، جد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با هم برادر، و پدرشان قصی بن کلاب است بنا بر این رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه کبری علیها السلام هر دو از طایفه قریش⁽³⁾ و از نظر نسبی نیز با همدیگر قرابت نزدیک داشتند.

ص: 17

1- (1) پیمان حلف الفضول، پیمانی بود که گروهی از رجال و شخصیت های عدالت خواه عرب در دوران جاهلیت با هم بستند تا مظلومین و درمانده گان را یاری نمایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این پیمان حضور داشت. سیره ابن هشام، ج 1، ص 141.

2- (2) ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص 120؛ سمعانی، الانساب، ج 1، ص 215.

3- (3) در مورد علت نام گذاری به قریش اقوال مختلفی ذکر شده است. بعضی گفته اند لغت قریش از تفرش به معنای تجمع است و قصی ابن کلاب چون طوائف مختلف را جمع و در مکه ساکن نمود، معروف شد به قریش. بعضی نیز گفته اند که قریش از قرش به معنای کسب است و طایفه قصی چون اهل کسب و تجارت بودند به قریش معروف شد. بعضی

خویند فردی با هوش، بلند مرتبه، کریم و دارای اخلاق فاضله بود که بزرگ بنی اسد شناخته می شد. مادرش فاطمه بنت «زایده بن الاصم»⁽¹⁾ بود. مادر فاطمه، هاله، بنت «عبد مناف بن قصی» است که جد سومش به جد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می رسد. بنا بر این حضرت خدیجه از حیث جد پدری و مادری با چند واسطه با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هم نسب است و هر دو از طایفه قریش می باشند.

خدیجه دارای 5 برادر و 4 خواهر بود.

اسامی برادران خدیجه:

عوام بن خویند؛ وی با صفیه بنت عبدالمطلب، عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد. وی دارای سه فرزند بود به نامهای زبیر، سائب و عبدالكعبه⁽²⁾. مصعب بن زبیر و عبدالله بن زبیر دو فرزندان زبیر هستند در تاریخ اسلام شهرت دارند.

1 - حزام بن خویند؛ وی در دوران جاهلیت در جنگ فجار کشته شد و دارای دو فرزند بود به نام های حکیم بن حزام و خالد بن حزام.

2 - نوفل بن خویند؛ وی نیز دارای سه فرزند بود بنام های ورقه بن نوفل، صفون نوفل، و اسود بن نوفل.

3 - عدی بن خویند. در تاریخ نامی از ایشان برده نشده است.

4 - عمرو بن خویند. مراسم خواستگاری و عقد حضرت خدیجه علیها السلام در خانه ایشان انجام شد.

ص: 18

1- (1) تنقیح المقال، ج 3، ص 77.

2- (2) ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 41.

1 - هاله بنت خویلد. ایشان معروف ترین خواهر حضرت خدیجه علیها السلام می باشد. وی بعد از هجرت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد

2 - خالده بنت خویلد. از وی اطلاعات زیادی در تاریخ ثبت نشده است.

3 - زُقیقَه بنت خویلد. از ایشان نیز اطلاعات زیادی در تاریخ ثبت نشده است.

4 - هند بنت خویلد. بعضی گفته اند ایشان همان هاله است که با این نام در تاریخ ثبت شده است. (1)

در برخی از کتب تاریخی «طاهره» نام پنجمین خواهر حضرت خدیجه علیها السلام را ذکر کرده اند (2). اما حق این است که طاهره لقب حضرت خدیجه علیها السلام در جاهلیت بوده است.

پسر عموی خدیجه علیها السلام، ورقه بن نوفل بن اسد بود. ورقه از دانشمندان و راهبان خدا پرست آن زمان در جزیره العرب بود. (3) وی اطلاعات زیادی از کتب آسمانی داشت و یکی از چهار عابد معروف دوران جاهلیت در عربستان شناخته می شد. ورقه با بت پرستی مخالفت می نمود و خطاب به اعراب بت پرست می گفت:

به خدا قسم شما دین ابراهیم را فراموش کرده اید و دچار انحراف شده اید و چیزهایی را می پرستید که حق نیستند زیرا این بت ها نه

ص: 19

1- (1) عینی، عمدہ القاری، ج 4.

2- (2) ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 224.

3- (3) ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، صص 222-223.

می شنوند و نه می بینند، نه به حالتان نفعی دارند و نه ضرری می رسانند. ای قوم قریش، شهر به شهر بروید و بگردید و دین حنیف ابراهیم علیه السلام را بشناسید و به آن پایبند شوید، به دنبال دین حق باشید و بدانید بت هایی را که می پرستید، بر حق نیستند. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام

اگر چه جزئیات زیادی از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام خصوصاً قبل از اسلام ثبت نشده است ولی همین اندکی که نقل شده، نشان دهنده این است که ایشان زنی، عاقل، دانا، مدیر، و با بصیرت در بین مردم زمان خود شناخته می شده است. سخاوت، فداکاری، عفت و پاکدامنی، دوراندیشی، و صبر و استقامت، از جمله اوصاف برجسته اخلاقی خدیجه علیها السلام است که تمام مورخین به آن اعتراف نموده اند.

خدیجه علیها السلام با داشتن زیبایی ظاهری و برخورداری از سرمایه و امکانات مالی بسیار زیاد و موقعیت اجتماعی، هیچ گاه تحت تأثیر ظواهر فریبنده جامعه آن روز قرار نگرفت و از فضایل و صفات انسانی بدور نگردید.

حضرت خدیجه علیها السلام در دورانی که به جاهلیت معروف بود و بت پرستی در سراسر عربستان رواج داشت، از امور معنوی و رعایت مسایل اخلاقی و انسانی غافل نبود. آن حضرت به کتب آسمانی اعتقاد داشته و خدای واحد را می پرستید. (2) او هنگام اعزام کاروان تجاری به شهرها و کشورهای دور دست،

ص: 20

1- (1) ابن اسحق، سیره النبویه لابن هشام، تحقیق مصطفی السفا و آخرین القسم الاول، ج 1، صص 189-191.

2- (2) بحار الانوار، ج 16، صص 21 و 79.

به طواف کعبه می رفت و از خدای ابراهیم علیه السلام برکت در تجارتش را درخواست می نمود. (1)

ایشان در بین مردم جامعه آن روز به عنوان زنی پاکدامن، خیرخواه و باشخصیت می شناختند و به او لقب «طاهره» داده بودند. در این باره آمده است: «و كانت تُدعى فى الجاهلیة بالطاهره لشدّة عفافها و صیانتها؛ (2) مردم، خدیجه علیها السلام را در دوران جاهلیت به خاطر عفت و پاکدامنی بسیار بالایی که داشت، لقب طاهره داده بودند».

همچنین لقب «سیده قریش (3) بانوی بانوان قریش» که در آن زمان به وی داده شده بود، نشان دهنده عظمت جایگاه او در میان مردم زمان خود بوده است.

حضرت خدیجه علیها السلام در حالیکه یک تاجر موفق بود و برای به دست آوردن سرمایه و سود بیشتر تلاش می کرد، بخشی از وقت خود را نیز به اعمال عبادی بویژه طواف کعبه اختصاص می داد و از طرفی درب خانه اش را به روی نیازمندان و مستمندان باز گذاشته بود و هیچگاه کسی از خانه اش محروم بیرون نرفت. (4)

وی در دورانی که مردم به بت پرستی مشغول بودند و خدایان ساختگی را عبادت می کردند و انواع خرافات سر تا پای جامعه آن روز را گرفته بود، خدای سبحان را می پرستید. او تعالیم مذهبی را از پسر عمویش «ورقه بن نوفل» که

ص: 21

-
- 1- (1) احمد خلیل جمعه، نساء اهل البیت فی ضوء القرآن و السنه، ص 15.
 - 2- (2) سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ نهاییه الادب، ج 18، ص 171.
 - 3- (3) تاریخ الخمیس، ج 1، ص 265؛ المواهب اللدنیة، للقسطلانی، ج 1، ص 99.
 - 4- (4) عمر رضا کحاله، اعلام النساء، ج 1، ص 326.

یکی از چهار عابد زمان خود شناخته می شد، فرا می گرفت. در خانه اش جلسات مذهبی برگزار و برخی از دانشمندان اهل کتاب را دعوت و همراه با سایر زنان به نصایح و گفته های آنان گوش می داد. او توانست اوصاف پیامبر آخرالزمان را شناسایی کند و یقین داشت که به زودی در سرزمین حجاز ظهور خواهد کرد. (1)

کمالات اجتماعی، ثروت زیاد، و شخصیت بی نظیر حضرت خدیجه علیها السلام موجب شده بود تا عده زیادی از سران قبایل و شخصیت های معروف آن زمان همانند عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی اهاب، ابو جهل و ابو سفیان از او خواستگاری کنند، لیکن هیچ کدام آنها را در شأن خود نمی دید و به همه آنها جواب رد داد. (2)

ص: 22

1- (1) الاستیعاب، ج 4، ص 1817.

2- (2) ر. ک: بحار الانوار، ج 16، ص 22.

فصل دوم: همسر و فرزندان خدیجه سلام الله علیها قبل از اسلام

اشاره

ص: 23

بنا به گفته اکثر مورخین، خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دو همسر دیگر داشته و از آنان نیز صاحب فرزندی بوده است.

همسر اول

خدیجه علیها السلام در اوایل دوران جوانی با جوانی بنام «ابی هاله النباش بن زراره التیمی» ازدواج نمود و از او صاحب دو فرزند (1) به نام های «هند» و «هاله» شد (2). ابوهاله در همان سال های اولیه زندگی با حضرت خدیجه علیها السلام از دنیا رفت و ثروت زیادی برای ایشان و فرزندانش به جا گذاشت.

پس از ازدواج خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، هند وهاله، همراه مادرشان به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و آن حضرت آنان را بسیار دوست می داشت.

هند بن ابی هاله، بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و به آن حضرت ایمان آورد. با هجرت مسلمانان، وی به مدینه مهاجرت کرد و در جنگ بدر و احد نیز شرکت نمود. هند در معرفی خود می گوید:

«انا اکرم الناس ابا و اما و اخا و

ص: 25

-
- 1- (1) ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، صص 14-15؛ ابن جوزی، صفوه الصفوه، ج 1، ص 25.
 - 2- (2) هاله و هند هر دو از نام هایی هستند که اعراب قبل از اسلام آنها را هم بر زن و هم بر مرد می نهادند.

اختا، ابی رسول الله صلی الله علیه و آله و اخی القاسم، و اختی فاطمه سلام الله علیها، و امی خدیجه سلام الله علیها... (1) من از حیث پدر و مادر و برادر و خواهر بهترین مردم هستم. پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و برادرم قاسم و خواهرم فاطمه علیها السلام و مادرم خدیجه علیها السلام است...».

هند بن ابی هاله، فردی سخنور و فصیح بود. او هنر و قدرتی فراوان در توصیف داشت. در خبری آمده است که امام حسن علیه السلام از وی می خواهد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را برایش توصیف کند و هند نیز توصیف کامل و جامعی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می نماید که اصل خبر در کتب روایی ذکر شده و شرح های متعددی بر آن نوشته شده است. (2)

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز از وی حدیثی نقل فرموده و در سند حدیث می فرماید: «حدثنی خالی» یعنی دایی ام نقل کرده است».

هند، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کنار امام علی علیه السلام ماند و همراه آن حضرت در جنگ جمل نیز جنگید و در سال های پایانی عمرش در بصره ساکن شد. سر انجام به طاعون مبتلی گردید و در همان جا از دنیا رفت. (3)

هاله بن ابی هاله فرزند دیگر حضرت خدیجه نیز مورد توجه و عنایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. هاله پس از درگذشت مادرش خدیجه علیها السلام، ازدواج کرد. روزی هاله به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. در آن روز، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه عایشه استراحت می کرد که صدای هاله را شنید. بلافاصله از جا بلند شد و او را در بغل گرفت و با خوشحالی و با صدای بلند فرمود: «هاله! هاله! هاله!».

ص: 26

1- (1) بحار الانوار، ج 16، صص 148-155؛ سیره ابن هشام (پاورقی)، ج 1، ص 187.

2- (2) ر. ک: بحار الانوار همان صص 148-155؛ سیره ابن هشام، همان، ج 1، ص 118؛ نهایه الادب، ج 18، صص 273-276.

3- (3) الاصابه، ج 6، ص 588.

حضرت خدیجه علیها السلام پس از درگذشت ابی هاله، به عقد یکی از اشراف قریش به نام «عتیق بن عاید بن عبدالله عمر بن مخزوم» در آمد و از او صاحب دختری به نام «هند» شد. دوران زندگی حضرت خدیجه با عتیق زیاد طول نکشید، هنوز چند صباحی از زندگی مشترک آنان نگذشته بود که عتیق نیز از دنیا رفت (1).

در برخی از تواریخ آمده که هند دختر عتیق با پسر عمویش «صفی بن امیه بن عاید المخزومی» ازدواج نمود و از او صاحب فرزندان شد. مسلمانان به احترام حضرت خدیجه علیها السلام که در جاهلیت او را طاهره می نامیدند، فرزندان هند را «بنی طاهره» لقب داده بودند.

پس از درگذشت عتیق، عده زیادی از سران و بزرگان قریش از حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاری کردند که ایشان به همه آنها جواب رد داد و تصمیم گرفت که دیگر ازدواج ننماید بلکه در خانه بماند و به تربیت فرزندانش بپردازد.

گرچه اکثر مورخین اتفاق نظر دارند که خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دو ازدواج دیگر نموده است، اما در مقابل، عده دیگری از مورخین شیعه و سنی، از جمله:

«ابو القاسم اسماعیل بن محمد اصفهانی از دانشمندان اهل سنت» (2)،

ص: 27

1- (1) در ترتیب ازدواج حضرت خدیجه که آنچه ذکر شده قول معروف است، ولی برخی گفته اند آن حضرت نخست به ازدواج عتیق بن عائد مخزومی درآمد و پس از او همسر ابی هاله هند بن زراره گردید، چنانچه در کتاب فقه السیره (ص 69) آمده و نیز علامه مجلسی این موضوع را به نقل از اربلی آورده است. بحار الانوار، ج 16، ص 1.

2- (2) الأصبهانی، أبو القاسم اسماعیل بن محمد بن الفضل التیمی، دلایل النبوه، ج 1، ص 178.

«احمد بلاذری»، «علم الهدی»، «ابوالقاسم کوفی»⁽¹⁾، (سید مرتضی) در کتاب «شافی» و «شیخ طوسی» در «تلخیص شافی» می گویند که خدیجه علیها السلام، هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «عذرا»⁽²⁾ بود و قبلاً همسر دیگری نداشته است⁽³⁾. آنان برای اثبات نظریه خود ادله ای نیز ذکر کرده اند که برخی از آنها عبارتند از:

1 - حدیث ابن عباس مبنی بر این که حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم 28 ساله بوده است⁽⁴⁾ و خدیجه علیها السلام تا آن زمان با کسی ازدواج نکرده است.

2 - اختلاف مورخین در ذکر اسامی شوهران اول و دوم حضرت خدیجه علیها السلام فرد گمنامی نبود که در نام و ترتیب همسران وی اختلاف باشد.

3 - اختلاف مورخین در نام و تعداد فرزندان که خدیجه از شوهران قبلی داشته است.

ص: 28

1- (1) سید أبو القاسم علی بن أحمد بن موسی ابن الإمام الجواد محمد بن علی بن موسی بن جعفر. کتاب عیون المعجزات.

2- (2) دو شیزه.

3- (3) برای اطلاعات بیشتر به این کتب مراجعه شود: مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، ج 1 ص 159؛ بحار، ج 22، ص 52؛

الصیحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله و سلم، سید جعفر مرتضی؛ اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج 6، ص 309 مراجعه شود.

4- (4) برای اطلاعات بیشتر به بحارلانوار، ج 16، ص 18 - در مناقب ابن آشوب، ج 1، ص 159؛ الاستغاثه، ج 1، ص 68؛ تبص - ره

العوام، ص 245؛ انوارالنعمانیه، ج 1، ص 81 مراجعه شود.

4 - وضع مالی و موقعیت خدیجه علیها السلام اجازه نمی داد تا با افراد بی بضاعت و بی نام و نشانی (مانند خارکن و گورکن) که شغل همسران قبلی اش ذکر شده، ازدواج نماید.

5 - اختلاف مورخین در سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج.

رؤیای نورانی

خدیجه علیها السلام معمولاً در ساعات تاریک شب به همراه دوستانش به طواف کعبه می رفت. در یکی از همین شب ها که به طواف کعبه رفته بود، پس از طواف، مقابل در کعبه ایستاد و مشغول راز و نیاز با خدا شد و نیمه های شب به خانه برگشت. در آن شب که همه فرزنداناش به خواب رفته بودند، حضرت خدیجه علیها السلام که به شدت خسته شده بود، در گوشه ای دراز کشید و خیلی زود به خواب رفت.

در عالم رؤیا، خورشید را به شکل انسانی دید که از آسمان مکه طلوع کرد و آرام آرام به سمت خانه اش حرکت نمود. وقتی خورشید به خانه اش رسید همانجا ماند و از آنجا به سراسر جهان نور افشانی می کرد و مردم گروه گروه برای دیدن خورشید به خانه اش می آمدند.

آن حضرت سراسیمه از خواب برخاست و نگاهی به اطراف خود کرد؛ به جز فرزنداناش که همه در خوابی آرام فرو رفته بودند، چیز دیگری ندید. دستی به سر و صورت کشید، چند قدمی راه رفت و برگشت و دوباره در بسترش خوابید، اما دیگر خوابش نمی برد و دائماً رؤیایی که چند لحظه پیش در عالم خواب دیده بود، به یادش می آمد.

حضرت خدیجه می دانست که این یک خواب عادی نیست، پس ساعت ها فکر کرد، اما فکرش به جایی نرسید و از طرفی فکر و خیال نمی گذاشت خوابش ببرد. تا صبح جلوه هایی چون صحنه های طلوع خورشید به شکل انسان، آمدن خورشید به خانه اش، نور افشانی خورشید از خانه اش به تمام جهان، و آمدن گروه گروه از مردم برای دیدن خورشید به خانه اش، فکر و ذهنش را مشغول کرده بود. او منتظر بود تا صبح شود و نزد پسر عمومیش ورقه بن نوفل برود و خوابش را برای او تعریف کند. شاید تعبیری داشته باشد.

صبح که خورشید طلوع کرد، حضرت خدیجه با عجله به خانه پسر عمومیش ورقه بن نوفل رفت و آنچه را که در خواب دیده بود یک به یک تعریف کرد. سخنان ایشان که به پایان رسید، بر چهره ورقه لبخند زیبایی نشست و به حضرت خدیجه گفت: «بشارت باد تو را ای دختر عمو! اگر رؤیایت صادق باشد، نور نبوت به خانه تو خواهد آمد! از نور خانه تو تمام جهان روشن خواهد شد».

خدیجه علیها السلام به فکر عمیقی فرو رفت که چگونه نور نبوت به خانه اش می آید و چگونه خانه اش مرکز نور برای جهان خواهد شد. مدت های طولانی همچنان فکر و ذهن حضرت خدیجه، مشغول رؤیایی بود که به انتظار تعبیرش نشسته بود.

در طول این مدت، هر خواستگاری که به سراغش می آمد، آن خورشید نورانی که در خواب دیده بود، مقابل چشمش مجسم می شد، اما وقتی می دید این فرد با آن شخصیت رؤیایی اش شباهتی ندارد، محترمانه به او جواب رد می داد. (1)

ص: 30

1- (1) احمد خلیل جمعه، نساء اهل البیت فی ضوء القرآن و السنه، ص 18. این قضیه نیز در الاصابه، ج 8، ص 61 با اندکی تفاوت نیز ذکر شده است.

معرفی پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم به خدیجه علیها السلام

زنان مکه هر ساله طبق رسمی که از زمان قدیم داشتند، در یکی از شب های ماه رجب در کعبه جمع می شدند و مجلس جشنی برگزار می کردند و یکی از دانشمندان اهل کتاب برای آنان سخنرانی می کرد. حضرت خدیجه، هنگامی به مجلس جشن رسید که سخنرانی یکی از علمای یهود تازه شروع شده بود. هنگام سخنرانی، ناگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از کنار کعبه عبور کرد. عالم اهل کتاب، همین که چشمش به آن حضرت افتاد، سخنان خود را قطع کرد و خطاب به زنان گفت:

«لیوشک ان یبعث فیکن نبی فایکن استطاعت ان تکون له ارضایطأها فلتفعل» (1). ای زنان قریش، جوانی که اکنون از کنار کعبه گذشت در آینده پیغمبر آخر الزمان خواهد شد، هر کدامتان که توانستید همسرش شوید، درنگ نکنید» (2).

با سخنان عالم اهل کتاب، همه ای بین زنان افتاد. برخی به گفته آن عالم می خندیدند؛ بعضی تمسخر می کردند و برخی هم به او ناسزا می گفتند. با همه و سر و صدای زنان مجلس جشن به هم خورد و زنان متفرق شدند (3).

ص: 31

-
- 1- (1) مناقب ابن شهر آشوب، ج 1، ص 41؛ ابن حجر، الاصابه، ج 4، ص 274 به سند خود از ابن عباس روایت کرده است.
 - 2- (2) در قرآن کریم نیز آمده که علمای یهود و نصارا پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم را به خوبی می شناختند یَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ «البقره، آیه 146». یعنی همان طور که فرزندان خود را می شناختند، پیغمبر آخر الزمان را نیز می شناختند.
 - 3- (3) ر. ک: حیوه القلوب، ج 3، ص 219.

حضرت خدیجه علیها السلام به سرعت به خانه برگشت و در گوشه خلوتی آرام گرفت و به فکر فرو رفت. گاهی رؤیای چند وقت قبل به خاطرش می آمد و گاهی سخنان عالم یهودی را مرور می کرد، به ذهنش رسید که بین گفته عالم یهودی و خورشیدی که در رؤیا دیده بود، ارتباط زیادی وجود دارد. روز بعد خدیجه یکی از کنیزان خود را به دنبال عالم اهل کتاب فرستاد و او را به خانه اش دعوت کرد. عالم اهل کتاب که به خانه خدیجه علیها السلام آمد، از او پرسید: «ای عالم چگونه دانستی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر خداست؟»

عالم یهودی گفت: «صفات او را در تورات خوانده ام. در تورات آمده که پدر و مادر پیغمبر آخر الزمان، در طفولیت از دنیا خواهند رفت؛ جد و عمش او را کفالت و محافظت می کنند و با زنی از قریش ازدواج می کند که بزرگ قوم خود است و در میان عشیره اش امیر و صاحب تدبیر است.»

آن عالم سپس خطاب به حضرت خدیجه گفت: «ای خدیجه، این سخن را از من نگاه دار و آن را فراموش نکن.» سپس چند شعر درباره جلال و عظمت آن حضرت خواند و هنگام رفتن خطاب به خدیجه علیها السلام گفت: «سعی کن محمد را از دست ندهی، ازدواج با او سعادت در دنیا و آخرت را در پی دارد» (1).

آغاز همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیست و پنج ساله بودند که خشکسالی شدیدی سراسر عربستان را فرا گرفت. مردم مکه به خصوص خانواده هایی که زندگی شان از راه دامداری و کشاورزی می گذشت با مشکلات بیشتری مواجه شدند. ابوطالب

ص: 32

1- (1) بحار الانوار، علامه مجلسی، صص 224-226؛ حیوه القلوب، ج 3، ص 227؛ الاصابه، ج 8، ص 274.

بزرگ قریش، بیش از دیگران با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می کرد. عایله زیاد، رفت و آمد مردم و زایران به خانه اش و نداشتن درآمد کافی، زندگی را بر او سخت کرده بود.

در آن سال، تجار و بازرگانان قریش تصمیم گرفتند کاروان تجاری تشکیل دهند و به شام بروند. در آن زمان رسم بر این بود که هرکس به اندازه توانایی و سرمایه اش اجناسی تهیه و در کاروان شرکت می کرد. برخی از مردم هم که توانایی مالی نداشتند، به سرمایه داران مراجعه و سرمایه ای قرض می کردند و به صورت مضاربه ای در کاروان تجاری شرکت می نمودند.

جناب ابوطالب، به محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفت: ای فرزند برادر، زمانه بر ما بسیار تنگ شده، من هم پیر و تنگدست شده ام و سال های آخر عمرم را می گذرانم، آرزو دارم قبل از مرگم برای تو همسری انتخاب نمایم و ازدواج کنی و من هم با خیالی آسوده از دنیا بروم، اما مشکلات مالی مرا از آرزویم دور کرده و نگران آینده تو هستم.

ابوطالب در ادامه افزود: محمد! کاروان تجاری قریش به زودی تشکیل می شود و به شام می رود. خدیجه دختر خویلد از خویشان ماست و مال بسیاری دارد. عده زیادی از مردم مکه از او کالا و سرمایه قرض کرده اند و با مال او تجارت می کنند. اگر به خدیجه مراجعه کنی، یقین دارم سرمایه زیادی در اختیار تو قرار می دهد. با آن سرمایه کالا بخر و با کاروان قریش به شام برو، شاید از راه تجارت سودی به دست بیاوری و خداوند برخی از مشکلات زندگی مان را برطرف نماید. (1)

ص: 33

تقدیر الهی، بر این قرار گرفته بود که در آن روزها راستگویی، صداقت و امانتداری محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر سر زبان ها بیفتد و مردم مکه لقب «محمد امین» را به او بدهند.

خدیجه که افراد امین و درست کار مکه را شناسایی و درکاروانش به کار می گرفت، صداقت و امانتداری آن حضرت به گوشش رسیده بود. وضعیت سخت زندگی ابوطالب و گفت و گوهایش با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به گوش خدیجه علیها السلام رسید. ایشان به محمد صلی الله علیه و آله و سلم چنین پیغام داد: «اگر تو آمادگی تجارت داشته باشی، من حاضریم دو برابر سرمایه ای که به دیگران می دهم را در اختیار تو قرار دهم تا در کاروان تجاری من شرکت نمایی».

آن حضرت پیغام خدیجه علیها السلام را با عمویش ابوطالب در میان گذاشت. ابوطالب گفت: «فرزند برادرم این رزقی است که خدا برای تو مقدر کرده، بهتر است برویم و با خدیجه صحبت کنیم».⁽¹⁾

ابوطالب به همراه عباس و چند نفر دیگر از بنی هاشم به خانه خدیجه علیها السلام آمدند. خدیجه پس از پذیرایی، به آنان گفت: «ای بزرگان مکه و حرم، به خانه من خوش آمدید، هر حاجتی هست بفرمایید تا انجام دهم».

ابوطالب گفت: «برای حاجتی آمده ام که نفعش نصیب تو می شود و برکتش بر مال تو می افزاید. آمده ایم برای برادر زاده ام محمد صلی الله علیه و آله و سلم مالی را ضمانت کنیم تا با آن تجارت کند».

خدیجه علیها السلام که از آمدن ابوطالب و آمادگی محمد صلی الله علیه و آله و سلم جهت تجارت بسیار خوشحال شده بود، خطاب به آنان گفت: «محمد! خوب است بدانید که بیش از نصف سرمایه و کالای کاروان تجاری قریش مال من است. برای این سرمایه

به فرد امین و درستکاری همانند شما نیاز دارم تا او را امین و اختیار دار سرمایه ام نمایم تا بتواند با تدبیر خویش به هر نحو که می خواهد تجارت و داد و ستد نماید».

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من به سفر علاقه دارم و آماده ام تا برای تجارت همراه کاروان به شام بروم».

خدیجه علیها السلام، میسره و ناصح، دو غلامش را خواست و به آنان گفت: «محمد، امین اموال من است؛ اختیار کامل اموال را دارد. هر چه گفت گوش کنید و هر تصمیمی گرفت با او همکاری نمایید. در هیچ کاری کسی حق اعتراض و یا سخن تند گفتن با او را ندارد».

سفر تجارتي حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای خدیجه علیها السلام

محمد صلی الله علیه و آله و سلم (1) با کمک میسره و ناصح بار شتران را بستند. بعد از خدا حافظی از عموهایش و خدیجه علیها السلام که برای بدرقه آمده بودند، به سمت ابطح (2) حرکت کردند تا به کاروان قریش که در حال حرکت به شام بود ملحق شوند. مردم زیادی نیز جهت بدرقه بستگان خود در ابطح جمع شده بودند. سر انجام کاروان در میان بدرقه مردم مکه به سمت شام به راه افتاد.

پس از طی چند منزل، به بیابانی به نام «وادی الامواه» (3) رسیدند و ناگهان ابری غلیظ سراسر آسمان را پوشاند. آن حضرت به بزرگان کاروان فرمود:

ص: 35

1- (1) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هشت سالگی نیز همراه عمویش ابوطالب سفر دیگری به شام نموده بود. حیوه القلوب، ج 3، ص 201.

2- (2) ابطح یکی از محلات خروجی شهر مکه بود.

3- (3) زیرا آنجا محل جمع شدن سیل ها بود.

در این بیابان باران های بسیار تند و سیل آسایی می بارد؛ بهتر است کاروان در بالای کوهی اقامت کند و پس از اینکه آسمان صاف شد و سیل فرو نشست به راهمان ادامه بدهیم و گر نه گرفتار سیل می شویم و تمام اموال و سرمایه ها و حتی جانمان در خطر خواهد افتاد.

کاروانیان پیشنهاد محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفتند و در بالای کوهی کاروان را متوقف نمودند. هنوز لحظاتی از اقامت کاروان نگذشته بود که باران بسیار تندی شروع به باریدن کرد و پس از چند لحظه، سیل تمام بیابان را فرا گرفت. کاروان قریش چهار روز در آن بیابان توقف کرد و پس از فروکش کردن سیل به راه افتادند و به سلامت از آنجا گذشتند.

کاروان به راهش ادامه می داد تا اینکه به منطقه ای رسید که به آن «ایله» یا «بصری» می گفتند. در آنجا دیری بود که راهبان زیادی مشغول عبادت بودند. در بین آنان راهبی وجود داشت از همه عالم تر و داناتر که او را «فیلق بن یونان بن عبدالصلیب»⁽¹⁾ می گفتند. فیلق، خصوصیات و صفات پیامبر آخرالزمان را در کتب آسمانی خوانده بود. او می دانست که پیامبر آخر الزمان از سرزمین حجاز ظهور خواهد کرد و با کاروان تجاری به شام سفر می نماید. فیلق از دور قطعه ابری را دید که بالای سر کاروان سایه افکنده و همراه با آن به سمت ایله (یا بصری) در حال حرکت است.

کاروان قریش وارد ایله (بصری) شد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به سمت چاه خشکی که در آن نزدیکی ها بود رفت، سپس دستش را داخل چاه کرد و کفی از آب آن را برداشت و دست هایش را شست. بعد هم مقداری از آن را آشامید. سپس زیر درخت خشکی که در آن نزدیکی ها بود نشست. درخت سبز شد و

ص: 36

1- (1) در کتب تاریخی اسامی دیگری نیز ذکر شده است.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم در سایه آن مشغول عبادت شد. فیلق، بزرگ کاروان را خواست از او پرسید: این مردی که پای درخت فرود آمده کیست؟ گفت: مردی از قریش و اهل مکه است! فیلق به او گفت: به خدا سوگند زیر این درخت، جز پیغمبر فرود نیاید، و سپس سفارش آن حضرت را به بزرگ کاروان نمود و از نبوتش در آینده نزدیک خبرهایی داد.

به هر حال کاروان وارد شام شد و اهالی آنجا برای خرید اجناس و کالاهای بازرگانان عربستان هجوم آوردند و پس از چند ساعت تمام کالاهای کاروان را خریدند. اما محمد صلی الله علیه و آله و سلم به میسر و دیگر کارکنان خود فرمود تا امروز هیچ کالایی نفرشند.

روز بعد، مردم و قبایل اطراف شام که تازه خبر آمدن قافله قریش را شنیده بودند، برای خرید کالاها و اجناس هجوم آوردند، اما تمام اجناس و کالاهای کاروان قریش فروخته شده بود به جز کالاها و اجناس آن حضرت، کالای دیگری باقی نمانده بود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کالاهای خود را در روز بعد با قیمت بسیار مناسبتری فروخت و سود بیشتری عایدش شد و به مکه بازگشتند.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم وقتی وارد مکه شد، ابتدا به طواف کعبه رفت. خدیجه علیها السلام در آن لحظه با چند زن دیگر در ایوان ساختمان بلندش در بطحا، نشسته بودند و از دور، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نظاره می کردند که داشت دور کعبه طواف می کرد و دو ملک بر او سایه انداخته بودند. زنانی هم که کنار خدیجه علیها السلام نشسته بودند، سایه ملائکه ها را می دیدند.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس از طواف کعبه، به خانه خدیجه علیها السلام رفت که به انتظارش نشسته بود. پس از ورود، حساب و کتاب سفر به شام و سودهای بدست آمده را که از قبل به دقت، ثبت و ضبط شده بود را با بیانی شیرین و رسا به خدیجه علیها السلام گزارش داد و معلوم شد که در این سفر عجیب، سود بی سابقه ای نصیب آنان شده است.

آن باتوی بزرگ پس از شنیدن گزارش سفر به غلامان گفت: «دو برابر آنچه را که به دیگران داده شده را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم پردازید».

آنگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام خدا حافظی کرد و به خانه ابوطالب رفت.

گزارش میسره به خدیجه علیها السلام

پس از خروج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خانه خدیجه علیها السلام، میسره وارد شد و گزارش مفصلی از حرکت ابر با کاروان، و نیز از گفته ها و پیش بینی های فیلق در مورد محمد صلی الله علیه و آله و سلم، و سبز شدن درخت خشکیده و آنچه را که در طول سفر دیده بود یک به یک برای خدیجه علیها السلام تعریف کرد. گزارش میسره، خدیجه علیها السلام را به شدت متحول کرد و او را به خاطر گزارش امید بخشش آزاد نمود. سپس خدیجه علیها السلام آنچه را که از میسره شنیده بود با پسر عمویش، ورقه بن نوفل در میان گذاشت. ورقه بن نوفل گفت: «اگر گزارش میسره درست باشد، محمد صلی الله علیه و آله و سلم همان پیامبری است که بعثت به این امت وعده داده شده است، و من اوصاف وی را در کتاب های آسمانی خوانده ام».⁽¹⁾

خدیجه علیها السلام به یقین رسیده بود که محمد صلی الله علیه و آله و سلم انسانی عادی، همانند سایر انسان ها نیست. بنا بر این بار دیگر خوابی را که چندی قبل دیده بود از مقابل دیدگانش گذشت و گفته های آن عالم یهودی نیز به ذهنش خطور کرد که به زنان مکه گفت: «ای زنان قریش، جوانی که هم اکنون از کنار کعبه عبور کرد در آینده پیغمبر خواهد شد، هر کدامتان که توانستید همسرش شوید، درنگ نکنید».

ص: 38

فصل سوم: علاقه خدیجه سلام الله علیها به حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اشاره

ص: 39

سفر پرسود، صداقت و مدیریت درکار و حکایت هایی که میسر از سفر شام نقل کرده بود، خدیجه علیها السلام را بیش از پیش شیفته و علاقه مند به محمد صلی الله علیه و آله و سلم نمود و از آن پس به فکر ازدواج با آن حضرت افتاد. اما در جامعه آن روز، رسم بر این بود که مردان از زنان خواستگاری نمایند. در چنان جامعه ای اگر زنی از مردی درخواست ازدواج می کرد، صدها حرف و حدیث و شایعه برایش می ساختند.

آن بانوی پاک مدت ها فکرش مشغول بود و دنبال راهی می گشت تا علاقه و محبت خود را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم نشان دهد.

سر انحام «نفیسه»⁽¹⁾ دختر «منیه» را به خانه اش دعوت کرد و از او خواست تا نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفته، ضمن اظهار تمایلش به ازدواج با ایشان، هر طوری که صلاح می داند نظر آن حضرت را به دست بیاورد.

نفیسه، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در حالی دید که از طواف کعبه بر می گشت. بعد از احوال پرسی از ایشان پرسید: ای محمد! صلی الله علیه و آله و سلم چرا ازدواج نمی کنی؟

آن حضرت فرمود: «با دست خالی که نمی شود ازدواج کرد».

نفیسه فکری کرد و گفت: «اگر کسی را به تو معرفی کنم که از نظر جاه و جمال و شرف، همتای تو باشد، و سرمایه زیادی هم داشته باشد، آیا حاضری با او ازدواج کنی؟»

ص: 41

1- (1) نفیسه بنت منیه از دوستان امین و راز دار خدیجه علیها السلام بود.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم با کمی تأمل فرمودند: تا چه کسی باشد؟

نقیسه گفت: خدیجه!

محمد صلی الله علیه و آله و سلم اندیشمندانه پرسید: «مگر ایشان ازدواج می کند؟ شنیده ام خیلی ها به خواستگاری ایشان رفته اند، اما به همه جواب رد داده اگر ایشان راضی باشد من موافقم».

نقیسه، به سرعت به خانه خدیجه علیها السلام برگشت و از رضایت و علاقه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم جهت ازدواج با او خبر داد. (1)

خدیجه علیها السلام پس از چند روز، آن حضرت را دید و در مورد علت علاقه اش به ازدواج با وی این گونه سخن گفت:

«یا بن عم، ائی قد رغبت فیک لقرابتک و سطوتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛ (2) ای پسرعمو، به دلیل خویشاوندی، شرافت خانوادگی، امانتداری، حسن خلق و راستگویی که در شما سراغ دارم، به شما اشتیاق پیدا کردم».

محمد صلی الله علیه و آله و سلم علاقه مندی خدیجه جهت ازدواج با او و علاقه و رضایت خودش را به این ازدواج با عموهایش در میان گذاشت. ابولهب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «پسر برادر! ما را بر سر زبان عرب مینداز، تو شایسته خدیجه نیستی».

ص: 42

1- (1) ابن سعد، طبقات، ج 1، صص 131-132. در برخی از کتب تواریخ آمده که واسطه این ازدواج عمار یاسر بوده است.

2- (2) سیره ابن هشام، ج 1، ص 201.

عباس از جا برخاست و با خشم خطاب به ابولهب گفت:

تو مرد پست و بد کرداری هستی، خدیجه چه ایرادی می تواند در مورد پسر برادرم بگیرد، محمد صلی الله علیه و آله و سلم جمالی دلربا و کمالی بی منتها دارد. خدیجه چگونه می تواند خود را برتر از او بداند، به واسطه مال یا کمالش؟ به خدای کعبه قسم! هر مقدار مهر که از او بخواهد، سوار اسبم خواهم شد و در بیابان ها می گردم و به در خانه پادشاهان می روم تا آنچه را که خدیجه بخواهد برایش تهیه کنم. (1)

سفیر عشق

ابوطالب بعد از مشورت با برادرانش به این نتیجه رسید که قبل از هر تصمیمی ابتدا لازم است نظر خدیجه علیها السلام و شرط و شروطهایی را که ممکن است داشته باشد به دست بیاورند و بعد از آن تصمیم بگیرند. آنگاه صفیه، عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، را به خانه خدیجه علیها السلام فرستاد تا بدون واسطه و رو در رو با او گفت و گو نموده و نظرش را جویا شود.

صفیه به خانه خدیجه علیها السلام رفت. وقتی ایشان شنید که صفیه به دیدنش آمده، به استقبالش شتافت و او را به داخل اتاق مخصوص خود راهنمایی نمود. وقتی وارد اتاق شدند، به کنیزان دستور داد تا برای صفیه خوردنی و نوشیدنی های لذیذ بیاورند. صفیه گفت: «برای طعام خوردن نیامده ام می خواهم بدانم آنچه که شنیده ام درست است یا نه؟»

خدیجه علیها السلام بدون اینکه پرسد چه شنیده ای یا دیگران چه گفته اند، جواب داد:

ص: 43

«سَعِدَتْ مَنْ تُكُونُ لِمَحَمَّدٍ قَرِينَةً، فَانَّهُ يَزِينُ صَاحِبَهُ»⁽¹⁾؛ خوشبختی نصیب زنی است که همسر محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردد، زیرا محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای وی مایه افتخار است. من عظمت و شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می شناسم و زندگی با او را برای خود غنیمتی بزرگ می دانم، مهریه را نیز از مال خودم می پردازم».

صفیه که از سخنان بی پرده و صریح خدیجه علیها السلام خوشحال شده بود، خطاب به او گفت: «ای خدیجه علیها السلام! به خدا سوگند حق داری این قدر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دوست داشته باشی. تاکنون هیچ چشمی نوری مانند نور محبوب تو ندیده و هیچ گوشی شیرین تر از کلام او را نشنیده است». سپس صفیه از حضرت خدیجه علیها السلام خداحافظی کرد و با خوشحالی به خانه ابوطالب برگشت جایی که بزرگان بنی هاشم به انتظارش نشسته بودند. صفیه پس از ورود به خانه ابیطالب، علاقه و اشتیاق وصف ناپذیر خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برای بزرگان بنی هاشم بیان نمود. به جز ابولهب که همیشه با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حسادت و دشمنی می نمود، همه بنی هاشم از خبر صفیه خوشحال شدند. پس از آن بود که ابوطالب و عموهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر بزرگان بنی هاشم تصمیم گرفتند به خواستگاری خدیجه بروند.

آیین ازدواج

در روز نهم شوال 28 سال قبل از هجرت (15 سال قبل از بعثت) ابوطالب لباس های عید خود را پوشیده و پیشاپیش بنی هاشم به سمت خانه «عمر و بن اسد» عموی خدیجه علیها السلام که قرار بود مراسم عقد و ازدواج در آنجا برگزار شود

ص:44

به راه افتادند. (1) بعد از پذیرایی، ابتدا ابوطالب خطبه ای در وحدانیت خدای سبحان و عظمت مکه و محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواند.

مرحوم صدوق و شیخ کلینی با اندکی اختلاف، خطبه عقدی را که جناب ابوطالب ایراد نمود نقل کرده اند که متن آن طبق روایت شیخ صدوق رحمه الله این گونه است:

«الحمد لله الذی جعلنا من زرع ابراهیم و ذریه اسماعیل، و جعل لنا بیتا محجوجا و حرما آمنا یجیب الیه ثمرات کل شیء، و جعلنا الحکام علی الناس فی بلدنا الذی نحن فیه، ثم ان ابن اخی محمد بن عبد الله بن عبد المطلب لا یوزن برجل من قریش الا رجح، و لا یقاس باحد منهم الا اعظم عنه، و ان کان فی المال قل، فان المال رزق حایل و ظل زایل، و له فی خدیجه رغبه و لها فیه رغبه، و الصداق ما سألتهم عاجله و آجله، و له خطر عظیم و شأن رفیع و لسان شافع جسیم؛ (2) سپاس خدایی را که ما را از کشت و محصول ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد، و برای ما خانه مقدسی بنا نمود که مقصود حاجیان و حرم امنی است که میوه هر چیز بسوی آن گرد آید، و ما را در شهری که هستیم حاکمان بر مردم قرارداد».

برادر زاده ام محمد بن عبد الله بن عبد المطلب، مردی است که با هیچ یک از مردان قریش هم وزن نشود، جز آنکه از او برتر است، و با هیچ یک از آنها مقایسه نشود، جز آنکه بر او افزون است، و او اگر چه مالی اندک دارد، ولی مال، پیوسته در حال دگرگونی و بی ثباتی و همچون

ص: 45

1- (1) علی بن برهان الدین الحلبي، السیره الحلبيه، ج 1، ص 213.

2- (2) فروع کافی، ج 2، صص 19-20؛ من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 397.

سایه ای رفتنی است. و او نسبت به خدیجه راغب و خدیجه نیز به او مایل است، و مهریه او را نیز هر چه تقدی و غیر تقدی بخواهید آماده است، و محمد صلی الله علیه و آله و سلم را مقامی بزرگ و شأنی والا و شهرتی عظیم خواهد بود.

پس از خواندن خطبه، در مورد مهریه صحبت شد. در مورد مهریه حضرت خدیجه علیها السلام اقوال مختلفی ذکر شده است.

ابن عباس، مهریه حضرت خدیجه را دوازده اوقیه (1) ذکر کرده (2)، در حالی که در سیره ابن هشام بیست «بکره» ذکر شده است. (3)

عمرو بن اسد، عموی خدیجه، خواست در مورد مهریه چیزی بگوید که به لکنت زبان دچار شد و نتوانست سخنی بر زبان جاری سازد.

ابوطالب که متوجه نظر عموی خدیجه شده بود رو به او کرد و گفت:

«وله فی الخدیجه رغبه ولها فیه رغبه» (4) خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم هر دو به همدیگر علاقه منداند؛ ما آمده ایم تا حلقه وصل آنان باشیم و خدیجه را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری نماییم.

بعد از آن، خدیجه علیها السلام خطاب به عمویش گفت:

«یا عمّاه، انک وان كنت اولی بنفسی منّی فی الشهود، فلست اولی بی من نفسی، قد زوجتک یا محمد نفسی و المظّهر علی فی

ص: 46

1- (1) هر وقیه را چهل درهم شرعی ذکر کرده اند.

2- (2) طبقات الکبری، ج 8، ص 10.

3- (3) سیره ابن هشام، ج 1، ص 190.

4- (4) فروع کافی، کتاب النکاح، باب خطب النکاح، ح 9.

مالی؛ (1) عموجان، ممکن است در مسایل دیگر اختیار مرا داشته باشید، ولی اینجا اختیار با خود من است. سپس گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم من خودم را به همسری شما در آوردم، و مهر را هم خودم از مال خود قرار می دهم».

ابوطالب خطاب به حضار فرمود: «گواه باشید که خدیجه، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به همسری خویش پذیرفت و مهریه را نیز خود بر عهده گرفت! ابوجهل بلند شد و با خشم و کینه رو به حضار کرد و گفت: «تعجب است که زنان مهریه مردان را به عهده می گیرند».

ابوطالب سخت به خشم آمد و روی پای خود ایستاد و گفت: «آری اگر مردی همانند برادر زاده من باشد زنان با گرانبها ترین مهریه خود، خواهانشان می شوند و اگر همانند شما باشند جز با مهریه گرانبها حاضر به ازدواج نمی شوند».

پس از تعیین مهریه مراسم عقد جاری شد و خدیجه علیها السلام از آن تاریخ، رسماً همسر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردید.

مراسم عقد که به پایان رسید، هر کدام از مهمانان برخاستند و به خانه خود رفتند. محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز برخاست تا به همراه عمویش ابوطالب به خانه برود. خدیجه علیها السلام که می دانست همسرش خانه ای از خود ندارد، به آن حضرت رو کرد و گفت: «... الی بیتک، فیبیتی بیتک و انا جاریتک». به سوی خانه خود بیا که خانه من خانه تو است و من هم کنیز توام. سپس رو به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نمود و گفت

: «... یا محمد مر عمک ابا طالب ینحر بکره من بکراتک

ص: 47

1- (1) همان.

واطعم الناس» (1). ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عمومیت ابوطالب بگوید شتر جوان نحر کند و مردم را به خانه دعوت و اطعام کند و بعد از آن بیا در کنار خاندانت چاشت را به استراحت بگذران.

جناب ابوطالب ده شتر نحر کرد، مردم مکه را اطعام نمود و با این ولیمه مراسم عقد و عروسی محمد صلی الله علیه و آله و سلم به پایان رسید.

عبدالله بن غنم یکی از شعرای آن زمان که در مراسم حضور داشت به آنها چنین تبریک گفت:

«هنییا مرییا یا خدیجه قد جرت لك الطیر فیما كان منك بأسعد تزوجت خیر البریه کلها و من ذا الذی فی الناس مثل محمد؟ و بشر به البر ان عیسی بن مریم و موسی ابن عمران فی اقرب موعد أقرت به الکتاب قدما بأنه رسول من البطحاء هاد و مهتد؛ گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادت مند بوده و با بهترین خلایق ازدواج کردی. چه کسی در میان مردم همانند محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که حضرت عیسی و موسی به آمدنش بشارت داده اند و کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند. رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می آورد و او هدایت کننده و هدایت شونده است».

ص: 48

فصل چهارم: حضرت خدیجه سلام الله علیها اولین زن مسلمان

اشاره

ص: 49

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر ساله مدتی خانه و جامعه را ترک می کرد و برای عبادت به غار حرا می رفت. در چهلمین سال عمرش بود که در ماه رجب از خدیجه علیها السلام خدا حافظی کرد و برای عبادت به حرارت رفت و پس از چند روز عبادت و راز و نیاز به خانه برگشت. هنگامی که وارد خانه شد، عرق از سر و صورتش می ریخت؛ رنگش تغییر کرده بود؛ بدنش می لرزید و احساس خستگی زیادی می کرد. در این حال به خدیجه علیها السلام فرمود: «مرا بپوشانید»(1). خدیجه علیها السلام بستری آماده فراهم کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ساعتی دراز کشیده بود که ناگاه از بستر برخاست و نشست(2).

خدیجه علیها السلام متوجه شد که اتفاقی افتاده، پس از اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آرامش پیدا کرد، پرسید: چه خبر شده؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب داد: از غار که خارج شده بودم تا به خانه بیایم، هنوز از کوه پایین نیامده بودم که ناگاه صدایی شنیدم که خطاب به من گفت:

«یا محمد، انت رسول الله و انا جبریل؛ ای محمد تو رسول خدا هستی و من جبریلیم».

ص: 51

1- (1) قال زملونی، زملونی، مرا بپوشانید، مرا بپوشانید.

2- (2) يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ * فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا؛ سوره مزمل آیات 1-4.

سمت چپ را نگاه کردم، کسی نبود. سمت راست را نگرستم کسی نبود، پشت سر را نگاه کردم کسی را ندیدم. سرم را که به سمت آسمان بلند کردم، جبریل به شکل مردی ایستاده بود و خطاب به من گفت: یا محمد انت رسول الله و انا جبریل. (1)

با شنیدن این خبر، شادی سراسر وجود خدیجه علیها السلام را گرفت و جان تازه ای در کالبدش دمید، انگار سالها است که منتظر شنیدن این خبر بود. بدون درنگ گفت:

«یا بنعم! انت رسول الله، بایی انت و امی، انت یا رسول الله انی اصدقک او من بالله و بک رسولاً؛ (2) بله، تو رسول خدایی، پدر و مادرم به فدای تو باد ای رسول خدا، من تو را تصدیق می کنم، به خدا و به تو به عنوان رسول خدا ایمان می آورم».

خدیجه علیها السلام در حالی این کلمات را بر زبان جاری ساخت و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد که در جامعه آن روز، سحر، جادو، کهنات و انواع خرافات رایج بود. این بانوی بزرگ بدون این که سؤالی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسد و یا شک و تردیدی به خود راه دهد، بدون درنگ به خدای سبحان و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و عنوان اولین زن مسلمان را به خود اختصاص داد و به عنوان اولین «ام المؤمنین» - مادر مؤمنان - شناخته شد. (3)

بنت الشاملی نویسنده عرب می گوید:

«آیا زن دیگری غیر از خدیجه علیها السلام را می شناسید که با عشقی آتشین، و مهر و ایمانی استوار بی آنکه اندک تردیدی به دل راه دهد و یا

ص: 52

1- (1) سیره ابن هشام، ج 1، ص 273.

2- (2) خدیجه ام المؤمنین، محمد عمر، ص 98-99.

3- (3) جمهره انساب الاشراف، ص 120؛ اسد الغابه، ج 6، ص 78

ذره ای از باور همیشگی اش به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بکاهد، دعوت الهی را که از غار حرا شروع شد، پذیرا شود.» (1)

پس از لحظاتی علی علیه السلام وارد خانه شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا چشمش به علی علیه السلام افتاد او را به اسلام و ایمان آوردن به خدای واحد دعوت کرد. علی علیه السلام بی درنگ دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را اجابت کرد و ایمان آورد. بدین طریق علی علیه السلام به عنوان اولین مردمسلمان در تاریخ اسلام شناخته شد. در برخی از کتب تاریخی آمده هنگامی که علی علیه السلام ایمان آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از شدت خوشحالی چنان می خندید که دندان هایش به خوبی نمایان بود.

پس از آنها، زید بن حارثه به عنوان سومین مسلمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. سپس خدیجه علیها السلام دخترانش را به اسلام دعوت کرد و هر چهار دخترش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خدای متعال ایمان آوردند. بدین طریق اولین خانه ای که تمام ساکنانش به خدای سبحان و رسول گرامی اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده بودند، خانه خدیجه علیها السلام بود.

نکاتی کوتاه از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

اشاره

شیوه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام دارای ویژگی های منحصر به فردی است که هر کدام آنها درسها و نکات بسیار آموزنده و ارزشمندی برای مسلمانان دارد و هر کدام الگوی بسیار مناسبی برای تشکیل خانواده و ادامه زندگی می باشد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

ص: 53

ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام برخاسته از هوا و هوس های لحظه ای یا انگیزه های مادی و طایفه ای نبود، بلکه نتیجه شناختی عمیق و دقیق است که بر اساس اهداف و ارزش های انسانی و اعتقادی به وجود آمده بود. خدیجه علیها السلام گر چه همانند سایر ساکنین مکه، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می شناخت و اوصاف آن حضرت را شنیده بود، اما به شناخت ظاهری و آنچه که در بین مردم معروف بود، اکتفا نکرد بلکه مدت ها در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تحقیق نمود. از زمانی که آن حضرت وارد کاروان تجاری خدیجه علیها السلام شد خادمان و غلامان این بانوی بزرگ، به دقت رفتار، گفتار و انصاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با زیردستان و سایر شرکا، و نیز ایمان و اعتقادش به خدای سبحان را به دقت زیر نظر داشتند. بنا بر این آنان به شناخت ظاهری و گفته های مردم اکتفا نکردند بلکه پس از شناخت دقیق و کامل نسبت به همدیگر، ازدواج نمودند.

تأثیر نگذاشتن فاصله طبقاتی

از نظر وضعیت اقتصادی فاصله زیادی بین زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام وجود داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ گونه امکانات مادی نداشت و سالیان متمادی تحت سرپرستی جدش عبدالمطلب و عمویش، ابوطالب، زندگی می کرد و آنان نیز از نظر مادی وضعیت مناسبی نداشتند. اما خدیجه علیها السلام یکی از ثروتمندترین زنان عرب و از تجار بنام مکه به شمار می رفت.

با این وجود زندگی آنها از چنان پایه استوار و ایمان و اعتماد متقابلی برخوردار بود، که تفاوت و فاصله طبقاتی که معمولاً سبب فخر فروشی های بی جا و مخرب کینه توزانه و اختلافات خانوادگی می شود هیچ گونه تأثیر منفی در زندگی آنان نداشت، بلکه جای خود را به احترام متقابل، ایثار، از خود گذشتگی و محبت به همدیگر داده بود.

خدیجه علیها السلام از همان ابتدای زندگی کلیه تعلقات و وابستگی های ظاهری به زندگی را رها نمود و تمام سرمایه و دارایی اش را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هدیه نمود تا آن را به هر نحو که مصلحت می داند در راستای گسترش اسلام و حفظ مسلمانان هزینه نماید و عشق، علاقه و وفاداری به همسرش را جایگزین آن نمود.

عدم تأثیر اختلاف سنی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ازدواج 25 ساله و خدیجه علیها السلام نیز 40 ساله بودند. آنان هنگام ازدواج 15 سال تفاوت سنی داشتند که بنا بر معیارها و ملاک های امروزی باید تأثیرات بسیار سویی بر روند زندگی آنان داشته باشد و مشکلات زیادی بوجود آورد. اما این اختلاف و تفاوت سنی نه تنها هیچ گونه اثر سوئی در زندگی مشترکشان نداشت، بلکه در طول زندگی همیشه تکیه گاه، پشتوانه و موجب آرامش همدیگر بودند. شدت علاقه و اعتماد آنان به همدیگر موجب شده بود تا اختلاف سنی جایش را به احترام، صداقت و وفاداری دهد و در سایه آن، سختی ها و مشکلات روز مره زندگی بر آنان آسان گردد.

داشتن علاقه به همدیگر همراه با حفظ حرمت بزرگان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیها السلام از نظر سنی و رشد عقلی سر آمد همه زنان و مردان آن زمان بودند و در حدی بودند که براحتی می توانستند برای زندگی شان تصمیم بگیرند. اما عقل بالا و علاقه زیاد به همدیگر موجب نشد که شأن بزرگان خود را فراموش و آنان را در زندگی مشترکشان کنار بگذارند و بدون نظر و مشورت با آنان، خودشان تصمیم بگیرند. بلکه آنان با تدبیر عاقلانه خود، عشق و علاقه ای که به همدیگر داشتند را با بزرگان خود در میان گذاشته و شخصیت و اعتبار بزرگان را عامل اصلی در اجرای عقد و ازدواجشان قرار دادند.

آنان علاقه به همدیگر و تصمیم به ازدواج را، که بر اساس ایمان و شناخت همدیگر شکل گرفته بود، این عشق و علاقه را با حفظ آداب و رسوم و ارزش نهادن به شأن و جایگاه بزرگان همراه نمودند.

بسیاری از کسانی که به خاطر هوس های لحظه ای، چشم و گوش خود را بر همه چیز می بندند و بدون در نظر گرفتن حرمت و اعتبار بزرگان، برای رسیدن به امیال خود همه آداب و رسوم اجتماعی را زیر پا می گذارند، به زندگی مطمئن و با دوامی نخواهند رسید زیرا دیر یا زود به خود می آیند و از کرده خود پشیمان می شوند. در نتیجه دچار ناراحتی های روحی و عذاب وجدانی می شوند و آرامش فکری و روحی خود را از دست می دهند. در نهایت هم به نزاع های بی نتیجه ای رو می آورند که جز تشدید کینه ها و دامن زدن به اختلافات خانوادگی و از بین رفتن آرامش و آسایش خانواده نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.

داشتن معیار و ملاک برای شریک زندگی خود

حضرت خدیجه علیها السلام نه به خاطر نیاز مالی، و نه به خاطر موقعیت اجتماعی و یا به خاطر برخی از محرومیت های اجتماعی در پی ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آمد، زیرا عده زیادی از صاحب منصبان و سرمایه داران و بزرگان مکه درخواست ازدواج با او را داشتند و آن بانوی بزرگ به همه آنها جواب رد داده بود. در واقع ایشان برای همسر آینده خود ملاک ها و معیارهایی در نظر داشت که بر اساس آن معیارها شریک زندگی آینده اش را شناسایی و انتخاب نمود.

حضرت خدیجه طی سخنانی خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معیارهای مورد نظر برای انتخاب همسر را این چنین بیان می کند: «به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم».⁽¹⁾

ص: 56

در جای دیگری وقتی زنان مکه به خدیجه علیها السلام طعنه می زنند و با زبان خود او را تمسخر می کنند که چرا با یتیم عبدالله ازدواج کرده، در جواب آنها می گوید: «آیا کسی را مانند محمد صلی الله علیه و آله و سلم در نیکویی، نیک رفتاری، خصلت های پسندیده و فضیلت و شرافت در تمام سرزمین عرب سراغ دارید؟» (1).

نکته آخر این که ارزش این انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام آنگاه نمایان می شود که بدانیم ایشان در آن هنگام، موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

فخر فروشی نکردن بر همدیگر

حضرت خدیجه علیها السلام در طول زندگی مشترکش با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، هیچ گاه از سرمایه و اموالی که در اختیار همسرش قرار داده بود نامی به میان نیاورد و متنی بر همسرش نگذاشت. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیز کلامی را که موجب فخر فروشی و باعث رنجش خدیجه علیها السلام باشد بر زبان جاری نکرد، بلکه همیشه از ایثار و خودگذشتگی همدیگر صحبت می کردند. نه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسن جمال و حسن اخلاق و نبوتش را به رخ حضرت خدیجه علیها السلام می کشاند و نه خدیجه، سرمایه و موقعیت اجتماعی اش را به رخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می کشاند. آنان بعد از ازدواج، تمام فخر فروشی های بی اساس و ظاهری را کنار گذاشته و با صمیمیت و وفاداری به همدیگر به فکر پیشبرد هدف مشترکشان بودند.

ص: 57

تأثیر نگذاشتن گفته ها و زخم زبان دیگران بر زندگی آنان

پس از ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عده زیادی از زنان و مردان مکه با زخم زبان، گوشه و کنایه و یا از روی حسادت و دشمنی به اشکال مختلف آنان را مورد اذیت و آزار قرار می دادند. گاه در رابطه با تفاوت سنی آنان صحبت می کردند و گاهی از اموال و سرمایه هایی که خدیجه در اختیار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده سخن می گفتند و گاهی نیز فقر و تنگدستی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و... را به میان می کشیدند. اما علی رغم این همه زخم زبان ها و گوشه و کنایه هایی که به آنان می زدند، بنیاد این خانواده از چنان استحکامی برخوردار بود که هیچ گاه حرف و حدیث های دیگران و تبلیغات سوء کفار و آزار و اذیت های مشرکین موجب متزلزل شدن کانون گرم زندگی آنان نشد، بلکه بعکس، در مقابل آزار و اذیت ها و مداخلات دیگران، اعتمادشان به یکدیگر بیشتر و در سختی ها و مشکلات روزمره زندگی تکیه گاه قوی و آرام بخشی برای همدیگر بودند.

اطاعت پذیری از همسر

حضرت خدیجه علیها السلام پس از ایمان به خدا، با تمام وجود به شوهرش ایمان و اعتقاد داشت و تمام دستورات، نصایح و گفته های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مو به مو اطاعت می کرد و آنها را اجرا می نمود. یکی از عوامل مهمی که موجب شده بود مهر و محبت خدیجه علیها السلام در اعماق قلب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نفوذ کند و از چنان احترام و شخصیتی نزد آن حضرت برخوردار شود که تا خدیجه زنده بود، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم همسر دیگری انتخاب نکرد و بعد از وفاتش نیز هرگز فراموشش نکرد و همیشه از او به نیکی یاد می کرد، اطاعت پذیری آن همسر وفادار بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نسبت به حفظ اعتمادی که همسرش به وی داشت، مراعات جوانب مختلف را می کرد و از هر چیزی که موجب نگرانی و تشویش خاطر خدیجه علیها السلام می گردید، دوری می نمود. به همین علت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در اعتکاف طولانی که در حرا داشت و احتمال می داد این دوری موجب نگرانی خدیجه علیها السلام گردد عمار یاسر را نزد همسرش فرستاد و به او پیام داد:

«ای خدیجه! گمان نکن کناره گیری من به خاطر بی اعتنایی به توست، بلکه پروردگارم چنین فرموده تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می کند. پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن» (1).

احترام به شخصیت پیامبر

خدیجه به رغم اموال و سرمایه فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه ای که در جامعه آن روز داشت، در رفتار و گفتار با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره خود را کنیزی کوچک می پنداشت که خدا افتخار همسری او را به ایشان عطا کرده است. وی در طول دوران زندگی مشترکش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همیشه حرمت آن حضرت را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشان دهنده پرخاشگری و یا برتری جویی باشد، از خود بروز نداد. جلوه عالی این رفتار را می توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک؛ به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.» و البته این همه احترام و پاسداشت به خاطر عقیده و ایمانی بود که او به خدای سبحان داشت و بس.

ص: 59

در یکی از این عبادت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که چهل روز به درازا کشید، خدیجه علیها السلام، تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت های طولانی در ابتدای زندگی، به طور طبیعی می توانست ناراحتی ها و نگرانی های مختلفی را برای حضرت خدیجه علیها السلام در پی داشته باشد، اما آن بانوی بزرگوار نه تنها اعتراض نمی کرد، بلکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراهی و همکاری نیز می نمود و آن حضرت را در انجام وظایفش کمک می نمود. همراهی و همدلی خدیجه و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حدی بود که هنگام وفات در ضمن وصیت هایش به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت: «من در حق شما کوتاهی کردم، مرا عفو کن»، پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم، تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی».

درک همدیگر

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و همسرش حضرت خدیجه علیها السلام در طول دوران زندگی مشترکی که با هم داشتند، همدیگر را بخوبی درک می کردند. درک صحیح و درستی که از همدیگر داشتند، بر آمده از شناخت دقیق و ایمان قوی آنان به همدیگر بود. درکی که آنان از همدیگر داشتند موجب شد که مشکلات اجتماعی و مخالفت های آشکار و پنهان قریش با در زندگی آنان تأثیر نداشته باشد و هر دو در راستای نیل به اهداف و مسئولیت های الهی و اجتماعیشان از هرگونه مساعدت و همکاری دریغ ننمایند و پشتوانه ای قوی و استوار برای همدیگر باشند.

ثروت حضرت خدیجه علیها السلام در خدمت اسلام

حضرت خدیجه علیها السلام چند روز پس از ازدواج با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمام اموالش را به رسول خدا بخشید تا آن حضرت هر طور که مصلحت می داند آن را هزینه نماید.

علامه مجلسی رحمه الله روایت می کند:

خدیجه علیها السلام چند روز بعد از ازدواج نزد عمویش ورقه بن نوفل رفت و گفت اموال را بگیر و برو خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به آن حضرت بگو این اموال خدیجه است که به تو هدیه کرده است تا به هرگونه که بخواهی در آنها تصرف کنی و هر چه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم را نیز به او ببخش».

ورقه بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت:

ای مردم عرب! خدیجه شما را شاهد می گیرد بر این که او خود و همه ی ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام ها، مهریه و هدایای خود را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخشیده است و همه آن هدایا را محمد صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبتی است که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارد. او شما در این باره گواه گرفته و شما هم گواهی دهید. (1)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز اموال خدیجه را در راه نشر اسلام و حفظ مسلمانان بکار گرفت و هیچگاه با آن تجارتی ننمود.

به اعتراف تمام مورخین و اسلام شناسان، ثروت خدیجه علیها السلام از جمله عوامل تأثیرگذاری بود که در رشد و گسترش اسلام نقش اساسی داشت. در سالیان بسیار سخت و پر مشقتی که مسلمانان در شعب ایطالب (2) در محاصره

ص: 61

1- (1) بحار الانوار، ج 16، ص 75 تا 77.

2- (2) شعب در لغت شکاف بین دو کوه را گویند. شعب ایطالب نام منطقه ای کوهستانی در اطراف مکه است که بعد از اینکه کفار و مشرکین مکه تصمیم گرفتند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و

اقتصادی قرار داشتند، اموال حضرت خدیجه علیها السلام نقش بسزایی در حفظ جان مسلمانان داشت. خدیجه علیها السلام که خود نیز همراه فرزند خردسالش، حضرت فاطمه علیها السلام در شعب ابی طالب حضور داشت، به بستگانش در داخل مکه سفارش می کرد تا از اموالش مواد خوراکی و سایر نیازهای مسلمانان را تهیه و به دور از چشم کفار و مشرکین به شعب ابی طالب ارسال کنند.

حکیم بن حزام، برادر زاده حضرت خدیجه علیها السلام، نان و خرما می خرید و بر بار شتر می بست و شبانه آن را به شعب ابی طالب می فرستاد تا به دست مسلمانان برسد.

علامه مجلسی در ماجرای محاصره شعب ابی طالب نقل می کند:

«وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالِهِمَا؛ ابوطالب و خدیجه علیهما السلام همه اموال خود را برای حفظ اسلام انفاق کردند.»⁽¹⁾

آری ثروت خدیجه علیها السلام چنان تأثیری در پیشبرد اسلام داشت که انفاق اموال ایشان هم طراز شمشیر علی علیه السلام قرار می گیرد.

از قدیم معروف بوده که اسلام در آغاز بر اثر اخلاق نیک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مجاهدت و شمشیر علی علیه السلام و اموال و ایثار حضرت خ -- دیجه علیها السلام تحکیم و گسترش یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه از اثرات ارزشمندی که اموال خدیجه علیها السلام در پیشبرد اسلام داشته به نیکی یاد می کرد و می فرمود:

ص: 62

«ما نفعنی مال قط مثل ما نفعنی مال خدیجه علیها السلام؛ هیچ ثروتی به اندازه ثروت خدیجه برای من سودمند نبود».⁽¹⁾

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اموال خدیجه علیها السلام بدهی بدهکاران زیادی را پرداخت نمود و آنان را از زیر دین در آورد، به تهیدستان کمک می نمود، به بینوایان و یتیمان رسیدگی می کرد.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در جای دیگر می فرماید:

«ایدتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها...»⁽²⁾ خدیجه علیها السلام مرا بر دین خدا یاری ام نمود و با مالش به کمک شتافت».

سلیمان کتانی، نویسنده عرب می نویسد:

«خدیجه علیها السلام ثروتش را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخشید. ولی این احساس را نداشت که می بخشد، بلکه این احساس را داشت که هدایت را که بر همه گنج های سراسر جهان برتری دارد از او، کسب می نماید».⁽³⁾

علی علیه السلام در خانه خدیجه علیها السلام

علاقه و رابطه ای که بین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام وجود داشت فراتر از علاقه و رابطه عادی بین دو نفر بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همان ابتدا که علی علیه السلام به دنیا آمد، به او علاقه مند شد و مهرش را به دل گرفت. هنگامی

ص: 63

1- (1) شیخ طوسی، الامالی، ص 468؛ حلیه الابرار للسیّد هاشم البحرانی، ج 1، ص 140؛ بحار الانوار، مجلسی، ج 19، ص 63.

2- (2) سفینه البحار، ج 1، ص 381.

3- (3) علی محمد دخیل، خدیجه علیها السلام، ص 32.

که علی علیه السلام به دنیا آمد، مادرش او را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را در آغوش گرفت و او را بوسید. گاهی نیز کنار گهواره اش می نشست و آن را به آرامی حرکت می داد تا بخوابد. در بعضی از روزها او را می شست و شیر در کامش می ریخت. گاهی او را به سینه می فشرد و با او سخن می گفت.

ابن ابی الحدید از زید بن علی بن الحسین علیهما السلام نقل می کند که در آن دوران، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوشت و خرما را در دهانشان نرم می کردند تا خوردن آن راحت تر گردد، آنگاه آن را در دهان علی علیه السلام می گذاشت. (1)

علی علیه السلام که بزرگ تر شد، انس و الفتش به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر می شد و آن حضرت همیشه علی علیه السلام را همچون برادری کوچک یا فرزند دلبندی همراه خود می برد. (2) علی خود به این موضوع اشاره می کند و می گوید:

وقد علمتم موضعی من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بالقرابه القریبه والمنزله الخصیصه، وضعنی فی حجره و انا ولدی ضمنی الی صدره و یکنفنی فی فراشه و یمسنی جسده و یشمنی عرفه و کان یمضغ الشیء ثم یلقمینی؛ (3) ای یاران پیامبر، شما از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مقام احترام مخصوصی که نزد آن حضرت داشتم کاملاً آگاه هستید و می دانید که من در آغوش پر مهر او بزرگ شده ام؛ هنگامی که نوزاد بودم مرا به سینه خود می گرفت و در کنار بستر خود از من حمایت می کرد و دست بر بدن من می مالید،

ص: 64

1- (1) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 13، صص 198-201.

2- (2) کشف الغمه، ج 1، ص 90.

3- (3) شیخ محمد عبده، شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 182، خطبه قاصعه.

و من بوی خوش او را استشمام می کردم و او غذا در دهان من می گذاشت.

پس از ازدواج رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیها السلام، دست تقدیر الهی بر این قرار گرفت که در آن سال، خشکسالی شدیدی در مکه اتفاق بیفتد. ابوطالب، عموی پیامبر عايله مند بود و هزینه زندگی بر دوشش سنگینی می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با عمویش عباس که از ثروت و امکانات مالی بیشتری برخوردار بود گفت و گو کرد و هر دو توافق کردند تا هرکدام یکی از فرزندان ابوطالب را به خانه خود ببرند. در نتیجه عباس، جعفر را و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را به خانه خود بردند. (1)

علی علیه السلام که در آن زمان کودکی هفت ساله، و بنا به قول دیگری ده ساله بود، دستش در دست پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که وارد خانه خدیجه علیها السلام شد. خدیجه علیها السلام از همان ابتدا به علی علیه السلام علاقه مند شد و همانند مادری مهربان او را در آغوش محبت خود گرفت. خدیجه علیها السلام او را به عنوان برادری امین برای آینده دخترانش می دید و همچون مادری مهربان و دلسوز از هر گونه تلاش و کوششی که موجب تربیت و شکل گیری شخصیت علی علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شد، دریغ نمی نمود.

علی علیه السلام در سن طفولیت به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این نهال نوپا را از دوران کودکی، سر پرستی و با اخلاق کریمه اش تربیت (2) و آنطور که خود می خواهد پرورش دهد. از این پس علی علیه السلام تمام وقت خود را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپری می کرد و از دریای بی کران اخلاق الهی و فضایل انسانی آن حضرت بهره های بسیار برد.

ص: 65

1- (1) سیره ابن هشام، ج 1، ص 236.

2- (2) خدیجه ام المؤمنین، صص 69-70

علی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

«ولقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه يرفع لى كل يوم من اخلاقه علما ويأمرنى بالاعتداء به، ولقد كان يجاور فى كل سنه بحراء، فأراه ولا-يراه غيرى، و لم يجتمع بيت واحد يومئذ فى الاسلام غير رسول الله - صلى الله عليه و آله وسلم - و خديجه و انا ثالثهما ارى نور الوحى و الرساله و اشم ريح النبوه؛(1) من همچون سایه اى به دنبال آن حضرت حرکت می کردم و او هر روز نکته تازه اى از اخلاق نیک را برای من آشکار می ساخت و مرا فرمان می داد که به او اقتدا کنم، وى مدتی از سال، مجاور کوه حراء می شد، تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید. در آن روز غیر از خانه رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم خانه اى که اسلام در آن راه یافته باشد وجود نداشت، تنها خانه آن حضرت بود که او و خديجه، و من نفر سوم آنها، اسلام را پذیرفته بودیم. نور وحى و رسالت را به چشم می دیدم و بوى رسالت را می شنیدم».

در روایتی علی علیه السلام در مورد حضور خود در کنار رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم و اثرات آن می فرماید:

«لقد صليت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنين و انا اول من صلى معه؛(2) من، هفت سال قبل از مردم با رسول خدا نماز گزاردم و من اولین کسی هستم که با او نماز گزاردم».

ص: 66

1- (1) نهج البلاغه، سید رضی، خطبه 192، ترجمه عبدالمحمد آیتی.

2- (2) تاریخ طبری، ج 2، ص 213.

با اعلان عمومی رسالت، سخت ترین و دردناک ترین مراحل زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خانواده اش شروع شد. در این دوره، خصوصاً سال های آغازین بعثت، خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام به شدت تحت فشار قرار داشتند و گاهی خطر کشته شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز احساس می کردند لذا همیشه این دو نفر همراه آن حضرت بودند و همه خطرات را به جان و دل می پذیرفتند.

طبری در تاریخ خود نقل می کند: «در ایام حج، روزی پیامبر اکرم بالای کوه صفا رفت و با صدایی بلند به مردم خطاب کرد: «ای مردم! من رسول پروردگارم.» آنگاه به کوه مروه رفت و باز سه بار مطلب خود را با صدای بلند به گوش مردم رساند. جاهلان عرب هر یک سنگی برداشته به دنبال حضرت افتادند. ابوجهل نیز سنگی برداشت و به دنبال حضرت افتاد و آن پرتاب کرد که به پیشانی آن حضرت خورد و خون بر صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کوه ابوقبیس رفت و مشرکان نیز در پی او روانه شدند. در این بین، شخصی خود را به علی علیه السلام رساند و گفت: «پیامبر را کشتند.» حضرت گریست و با شتاب خود را به خدیجه علیها السلام رساند و او را از این خبر وحشتناک مطلع کرد. خدیجه علیها السلام نیز به شدت غمگین و منقلب شد چنانکه نتوانست بر خود مسلط شود و اشک بر گونه هایش جاری گشت.» (1)

آنان هر دو برای یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که گریان و نگران بودند، همه جا را جست و جو می کردند، اما پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نمی یافتند. در این هنگام، جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و فرمود: «ملائکه از گریه خدیجه به گریه در آمدند. او را بخواه و سلامش برسان و به او بگو، خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای در بهشت که از نور زینت شده است، بشارت ده.»

ص: 67

علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام همچنان به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گشتند تا اینکه آن حضرت را با صورتی خونین یافتند و به خانه آوردند. کفار قریش که مطلع شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کمک علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام به خانه آمده در پی آنها به راه افتادند تا به خانه خدیجه علیها السلام رسیدند و شروع به سنگ پرانی به خانه نمودند. خدیجه علیها السلام از خانه بیرون آمد و خطاب به آنان فرمود: «آیا شرم نمی کنید خانه زنی را که نجیب ترین قوم شماست، سنگباران می کنید؟ آیا از خدا نمی ترسید؟» بعد از سخنان خدیجه علیها السلام کفار شرم نمودند از مقابل خانه خدیجه علیها السلام پراکنده شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این هنگام، پیام جبرئیل را به خدیجه علیها السلام رساند و فرمود: ای خدیجه جبرئیل نزد من آمد و گفت به خدیجه از طرف پروردگارش سلام برسان. خدیجه علیها السلام در جواب گفت:

«قَالَتْ خَدِيجَةُ: اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرِئِيلَ السَّلَامُ؛ خدا سلام است و سلام اوست و بر جبرئیل سلام باد و بر تو ای رسول خدا سلام و رحمت و برکات خدا باد»(1).

فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام

در مورد تعداد فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت خدیجه علیها السلام اقوال مختلف را مورخین ذکر کرده اند. مشهور این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صاحب شش فرزند از خدیجه علیها السلام شدند که شامل دو پسر و چهار دختر بود. نام پسران آن حضرت به ترتیب عبارتند از قاسم و دیگری عبدالله که لقب طیب و طاهر یافت. اسامی دختران آن حضرت عبارتند از: زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام. گر چه در

ص: 68

1- (1) مستدرک حاکم، ج 3، ص 185؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 170؛ استیعاب، ج 14، ص 111.

مورد تعداد فرزندان آن حضرت اختلاف نظر است اما همه مورخین متفقند که تمامی فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جز ابراهیم که از ماریه قبطیه(1) بود، همگی از خدیجه علیها السلام بودند.

سرگذشت فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ترتیب ولادت عبارتند از:

1 - قاسم، نخستین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که پیش از بعثت در مکه به دنیا آمد. با تولد قاسم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با کنیه «ابو القاسم» خوانده می شد. وی نخستین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که در هفده ماهگی در مکه وفات نمود و در قبرستان «حجون» دفن گردید.

در تاریخ یعقوبی نقل شده است هنگامی که قاسم از دنیا رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار جنازه او به یکی از کوه های اطراف مکه نگاه می کرد و خطاب به آن فرمود:

«یا جبل لو أن ما بی بک لهدک؛ ای کوه! آنچه در مورد مرگ قاسم بر من وارد شد، اگر بر تو می آمد متلاشی می شدی».(2)

خدیجه نیز در مرگ فرزند شیر خوارش که در دوران شیر خوارگی از دنیا رفته بود اظهار ناراحتی شکوه می کرد. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به خدیجه فرمود: قاسم دوران شیر خوارگی اش را در بهشت به اتمام می رساند و با این فرمایش پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه آرام شد.(3)

ص:69

1- (1) ماریه قبطیه کنیز مصری بود که مقوقس حاکم مصر برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد.

2- (2) تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 315.

3- (3) سنن ابن ماجه، ج 2، ص 225، ح 1512؛ ابن کثیر، سیره نبویه، ج 1، ص 264؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 32.

2 - عبد الله قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مکه متولد شد و به «طیب» و «طاهر» (1) لقب یافت. او نیز سی روز بعد از وفات قاسم، در مکه از دنیا رفت. پس از وفات عبدالله، عاص بن وائل سهمی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را «ابتر» خواند. در اینجا بود که در جواب نسبت ناروای وی سوره کوثر نازل گردید. (2)

3 - زینب نخستین دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام بود. خدیجه علیها السلام زینب را به عقد خواهر زاده اش، ابوالعاص بن ربیع در آورد. آنها صاحب پسری به نام علی و دختری به نام امامه شدند. علی در سنین کودکی وفات نمود. اما امامه با مغیره بن نوفل ازدواج کرد و پس از مدتی از وی جدا شد. امامه پس از وفات زهرای مرضیه علیها السلام به عقد امیرالمؤمنین در آمد.

زینب، هنگام هجرت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه، به همراه شوهرش ابوالعاص در مکه باقی ماند. ابوالعاص در سال دوم هجرت در جنگ بدر در لشکر کفار حضور داشت و به همراه هفتاد نفر دیگر از کفار به اسارت نیروهای اسلام در آمد. هنگامی که قرار شد اسرا با پرداختن فدیة آزاد شوند، زینب برای آزادی شوهرش گردنبندی که خدیجه کبری علیها السلام در شب عروسی به گردش آویخته بود، به عنوان فدیة (3) به مدینه فرستاد و ابوالعاص، آن را به محضر سرور

ص: 70

1- (1) برخی از مورخین این دو لقب را بعنوان اسامی دو فرزند دیگر رسول خدا ذکر کرده اند و در نتیجه در تعداد پسران رسول خدا بین مورخین اختلاف شده است. بعضی از مورخین تعداد اولاد ذکور پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را 4 نفر ذکر کرده اند.

2- (2) تاریخ پیامبر اسلام، صص 69-71.

3- (3) فدیة در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله: الف - قربانی در حج ب - چیزی که در ازای آزادی اسیر گرفته می شود که ممکن است مال باشد یا انجام کاری از جانب اسیر. از فدیة به سربها نیز تعبیر شده است.

عالمیان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون نگاهش به آن گردنبند افتاد به یاد همسر فداکارش خدیجه علیها السلام افتاد و بی اختیار گریست. بعد هم فرمود: «رحم الله خدیجه سلام الله علیها، هذه قلاید هی جهزتها بها؛ خداوند خدیجه علیها السلام را رحمت کند، این گردنبندی است که خدیجه علیها السلام آن را برای زینب فراهم کرده بود».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آزادی ابوالعاص را به شرط آنکه از آمدن زینب به مدینه جلوگیری نکنند پذیرفت. ابوالعاص شرط پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفت و بعد از آزادی نیز به عهد خود وفا نمود و زینب را همراه زیدبن حارثه به مدینه فرستاد.

سرانجام ابوالعاص قبل از فتح مکه مسلمان شد و به مدینه آمد تا با زینب دوباره ازدواج نماید. زینب در سال هشتم هجرت در حالی که حامله بود به همراه چند نفر دیگر به سمت مدینه حرکت کرد. در بین راه از صخره ای سقوط کرد و بر اثر جراحت از دنیا رفت. جنازه او را به مدینه آوردن و عده ای از زنان بالای جنازه اش گریه می کردند. عمر تازیانه ای برداشت که آنان را بزند، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مانع نشد و عمر را از این کار بر حذر داشت (1). سر انجام او را غسل دادند و در میان گریه و زاری زنان در مدینه دفن کردند.

4 - رقیه دومین دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام است که اطلاعات زیادی در مورد وی در تاریخ ذکر نشده است.

5 - ام کلثوم سومین دختر حضرت خدیجه علیها السلام بود که زندگی سختی را پشت سر نهاد.

ص: 71

1- (1) مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 238؛ المستدرک للحاکم نیشابور، ج 3، ص 191؛ طبقات الکبری، ابن سعد، ج 3، ص 399.

رقیه و ام کلثوم به در خواست ابی لهب و همسرش ام جمیل، به عقد عتیبه و عتبه فرزندان ابولهب در آمدند. ازدواج آنان با فرزندان ابولهب، با پا در میانی ابوطالب صورت گرفته بود. خدیجه کبری علیها السلام علی رغم آنکه از رفتار و اخلاق بد ام جمیل و فرزندش آگاهی داشت، اما به احترام عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت نکرد. پس از آشکار شدن رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علنی شدن دعوت، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به طور فراگیر مردم را به دین اسلام فرا می خواند و در نتیجه عتیبه و عتبه به دستور مادرشان، ام جمیل، همسرانشان ام کلثوم و رقیه را طلاق دادند و به خانه پدرشان باز گرداندند تا مایه آبروریزی و اذیت و آزار بیشتری برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و همسرش خدیجه علیها السلام شوند. دو دختر پیامبر به خانه پدر بازگشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه نیز با روی باز از آنها استقبال نمودند. پس از مدتی عثمان بن عفان به خواستگاری رقیه آمد و با او ازدواج نمود.

اخلاق و رفتار خشن عثمان سبب شد آن بانو بر اثر شدت ضربات جان به جان آفرین تسلیم کند. پس از رقیه ام کلثوم نیز به عقد عثمان بن عفان در آمد که وی نیز به سبب خشونت عثمان جان سپرد.

6 - حضرت فاطمه علیها السلام کوچک ترین و آخرین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظاهراً در حدود پنج سال پیش از بعثت، در مکه تولد یافت. البته در کتب تاریخی در مورد فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اقوال دیگری هم ذکر شده که از ذکر آنها خودداری می گردد.

تولد حضرت فاطمه علیها السلام

در سال پنجم بعثت، جبرئیل امین بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و خطاب به آن حضرت فرمود: ای محمد! خدای علی اعلی سلام می رساند و امر نموده

چهل شبانه روز از خدیجه دوری کن. آن حضرت نیز به امر خدای سبحان، چهل شبانه روز به خانه حضرت خدیجه نرفت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت مشغول بود. روزی عمار را خواست و گفت: «عمار! نزد خدیجه برو و به او بگو: ای خدیجه! نیامدن من پیش تو از کراهت و ناراحتی نیست، بلکه پروردگار چنین خواسته، من در خانه فاطمه بنت اسد هستم تا وعده الهی به اتمام برسد» (1).

چون چهل روز تمام شد، جبرئیل با طبقی از غذا بر آن حضرت نازل شد و گفت: «یا محمد! خداوند جلّ و اعلا سلام می رساند و می گوید: امشب این غذا را بخور و نزد خدیجه برو».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طبق را گشود در آن یک خوشه انگور و یک خوشه خرما و جامی از آب بهشتی بود. آنها را تناول فرمود. پس از آن به خانه خدیجه علیها السلام رفت و در آن شب نطفه فاطمه علیها السلام منعقد شد. حضرت خدیجه علیها السلام احساس می کرد طفلی که در شکم دارد، از هر جهت با همه فرزندانش فرق می کند.

هنگام زایمان که فرا رسید، خدیجه علیها السلام تک و تنها در خانه نشسته و غم و اندوه زیادی او را فرا گرفته بود؛ او نیاز به کمک داشت. نگاهی به دور برش کرد، اما کسی در کنارش نبود، نگران و مضطرب در گوشه خانه نشسته و چشم به در دوخته بود. ناگهان چهار زن بلند قامت وارد اتاق شدند، حضرت خدیجه ترسید. آنها گفتند: ای خدیجه، نگران نباش، ما فرستادگان پروردگاریم. ما خواهران توایم و برای کمک به تو آمده ایم. بعد نیز یکی یکی خود را معرفی کردند.

ص: 73

اولی گفت: من ساره، همسر ابراهیم خلیلیم. دیگری گفت: من آسیه، همسر فرعون هستم. سومی گفت: من مریم عذرا می باشم. و آخری گفت: من صفورا خواهر ابراهیم خلیل هستم.

پس از لحظاتی فرزند خدیجه علیها السلام به دنیا آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ولیمه ای داد و فقرا و مساکین را اطعام نمود و نام او را فاطمه علیها السلام نهاد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت فاطمه علیها السلام بسیار علاقه مند بود و در فضیلت و شخصیت بالای آن حضرت احادیث زیادی بیان فرمود.

نخستین نماز جماعت و نمازگزاران

دو روز بعد از نزول جبرئیل بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ابلاغ رسالت به ایشان در روز بعثت، بار دیگر جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و اقامه نماز را به آن حضرت ابلاغ کرد. (1)

ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ می نویسد:

اولین چیزی هایی که خداوند در شریعت اسلام واجب کرد عبارت بودند از: اقرار به توحید، دوری از عبادت بت ها و اقامه نماز. هنگامی که وجوب اقامه نماز نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از بلندی های اطراف مکه بود، که جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. در آنجا چشمه ای جوشید، جبرئیل از آن وضو گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز کیفیت وضو گرفتن جبرئیل را تماشا می کرد و آن را یاد گرفت. بعد از آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همانند جبرئیل

ص: 74

1- (1) حاشیه سیره ابن هشام، ج 2، 226. برخی از مورخین نوشته اند که در ابتدا نماز دو رکعت بوده و در دو وقت خوانده می شده است. یک بار قبل از غروب آفتاب و یک بار هم بعد از غروب آفتاب. بعدها 17 رکعت شد که باید در پنج وعده اقامه شود.

وضو گرفت. سپس جبریل به نماز ایستاد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز همانند جبریل به نماز خواندن ایستاد.

نماز که تمام شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه آمد و وضو گرفتن و نماز خواندن را به خدیجه علیها السلام یاد داد. آن بانوی فداکار نیز همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وضو گرفت. آنگاه پیامبر به نماز ایستاد و خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز را اقامه نمود. (1)

سپس علی علیه السلام وارد خانه شد و وضو گرفتن و نماز خواندن را از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آموخت و پس از آن هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نماز می ایستاد، علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام پشت سر پیامبر به نماز می ایستادند. آنان گاهی نماز را در مقابل در کعبه اقامه می کردند و مشرکین با تعجب و حیرت به آنها نگاه می کردند.

عبدالله بن مسعود نمونه ای از مشاهدات خود پیرامون همراهی علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام در زمانی که هنوز کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان نیاورده بود، این گونه بیان می کند:

«نخستین چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموها و تعدادی از اعضای قبیله، وارد مکه شدیم. چون می خواستیم مقداری عطر بخریم، عباس بن عبدالمطلب را به ما معرفی کردند. عباس بالای چاه

ص: 75

1- (1) الکامل فی التاریخ، ج 2، صص 50-51؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 261، بعضی از مورخین نوشته اند که وضو در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، چون آیه وضو آیه ای مدنی است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ... سوره مائده، آیه 6.

زمزم، در کنار کعبه نشسته بود. کنارش رفتم و در آنجا نشستیم. مشغول صحبت بودیم که دیدیم مردی که لباس سفید پوشیده و گیسوان و ریش پر پستی داشت، دندان هایش سفید و چهره اش مثل ماه می درخشید، از باب صفا وارد مسجدالحرام شد. در طرف راست او یک نوجوان و پشت سرش بانویی پوشیده را دیدم. آنها کنار حجرالاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجرالاسود دست کشید، سپس آن نوجوان و بعد هم آن بانو به حجرالاسود دست کشیدند. آن گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار طواف کردند، کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام تکبیر دست هایش را تا کنار گوشش بالا برد، هر گاه جوان به رکوع می رفت، آن نوجوان و زن نیز با او به رکوع می رفتند و هر گاه آن جوان می ایستاد، آن دو نفر نیز می ایستادند و هر گاه به سجده می رفت آنان نیز با او به سجده می رفتند.

به عباس بن عبدالمطلب گفتم: این خیلی کار عجیبی است! عباس گفت: آن جوان را می شناسی؟ گفتم: نه.

عباس گفت: آن برادر زاده ام محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است. سپس پرسیدند، آن نوجوان را می شناسی؟

گفتم: نه.

گفت: آن برادر زاده ام علی بن ابی طالب است. بار دیگر پرسید آن زن را می شناسی؟

گفتم: نه.

ص: 76

گفت: آن خدیجه بنت خویلد همسر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. محمد صلی الله علیه و آله و سلم به من گفت: خدای آسمان ها و زمین او را به این دین مبعوث کرده و اکنون روی کره زمین تنها این سه نفر بر این دین استوارند. (1)

دلواپسی های حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به آینده حضرت فاطمه علیها السلام

خدیجه علیها السلام در روزهای پایانی عمرش بر اثر کسالت در بستر بیماری افتاده بود. روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد. وقتی وارد شد، خدیجه علیها السلام را مضطرب و نگران دید. اسماء به او گفت: تو از بهترین زنان عالم هستی؛ تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، همسر رسول گرامی اسلام هستی و ایشان بارها تو را به بهشت بشارت داده است، با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

حضرت خدیجه علیها السلام فرمود: اسماء، نگران فاطمه ام، دختر هنگام ازدواج به مادر نیاز دارد، می ترسم از دنیا بروم و کسی نباشد برایش مادری کند. اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه علیها السلام مادری کنم و هر چه نیاز داشت برایش مهیا نمایم.

بعد از وفات حضرت خدیجه علیها السلام هنگامی که شب ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام فرا رسید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همه زن ها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند». همه رفتند، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متوجه شدند که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است. فرمود: «آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟» اسماء گفت: چرا یا رسول الله من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم، ولی عهد من با خدیجه علیها السلام مرا بر آن داشت تا در

ص: 77

اینجا بمانم، چون با او پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه علیها السلام مادری کنم. (1)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن این سخن، اشک در چشمانش حلقه بست و دست به دعا برداشت و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد. (2)

همسر داری حضرت خدیجه علیها السلام

هنر و شیوه همسر داری حضرت خدیجه علیها السلام از موفق ترین و بی نظیرترین شیوه های همسر داری است که می تواند الگوی کامل و جامعی برای خانواده های امروزی باشد.

خدیجه علیها السلام با تمام وجود به همسرش ایمان داشت و به او عشق می ورزید. این عشق و علاقه، تنها به چند روز و چند ماه اولیه زندگی آنان اختصاص نداشت، بلکه هر چه زمان می گذشت، محبت و علاقه آنان به همدیگر بیشتر می شد.

بانوی نمونه اسلام با هنر و شیوه های رفتاری خود توانست محیط خانه را به کانون آسایش و آرامش برای همسرش تبدیل نماید و از هر گونه ابزار و امکاناتی که این هدف را تقویت می کرد، بهره می جست. ایشان نه تنها اموال و سرمایه اش را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخشید، بلکه محبت، عاطفه، آسایش، آرامش و تمام روح و جسم خود را بدون هیچ گونه چشم داشت یا منتی به همسرش تقدیم کرد.

ص: 78

1- (1) اعیان الشیعه، ج 1، ص 380.

2- (2) شجره طوبی، ج 2، ص 334.

خدیجه علیها السلام آن چیزی را دوست می داشت که همسرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دوست می داشت و چیزی را می خواست که همسرش می خواست. او با تمام اعضا و جوارح و عواطفش به همسرش ایمان داشت و او را بهترین و کامل ترین و شریف ترین انسان ها در روی کره زمین می دانست که خداوند متعال سعادت همسری ایشان را نصیبش کرده است.

این همسر آسمانی از هر گونه سوء ظن ها و حساسیت های بی جا که معمولاً آرامش زندگی را به هم می زند، به دور بود و به جای آنها به همسرش ایمان و اعتماد کامل داشت. بعنوان نمونه؛ چند صبحی از ازدواجش با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نگذشته بود که آن حضرت برای راز و نیاز با خدا، خانه را ترک کرد و به غار حرا(1) رفت. حضرت خدیجه علیها السلام در طول این مدت هیچ گاه از این تنهایی شکایت و گلایه ای نکرد، بلکه هر روز آب و غذا را آماده می کرد و آن را یا خود به غار حرا می برد، یا اینکه علی علیه السلام را به آنجا روانه می کرد.

پس از مبعوث شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت، حسادت ها، مخالفت ها و انواع اذیت و آزارهای کفار و مشرکین شروع شد و خدیجه علیها السلام همیشه همانند پروانه گرد شمع وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می چرخید و از آن حضرت مراقبت و محافظت می کرد و به ایشان آرامش می داد و بار غم و اندوه را بر آن حضرت سبک می کرد.(2)

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه شد، در حالی که دستان مبارکش را مقابل دیدگانش گرفته بود. حضرت خدیجه علیها السلام با دیدن پیامبر به سوی او دوید و با

ص: 79

1- (1) غار حرا واقع در جبل النور در حدود بیست کیلومتری مکه، محل عبادت و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.

2- (2) محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج 3، ص 843.

نگرانی زاید و دست های پیامبر را کنار زد، ناگهان چشمش به جای سیلی که روی صورت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نقش بسته و دید از چشمان مبارکش اشک جاری می شد.

حضرت خدیجه علیها السلام پرسید: یا رسول الله چرا گریه می کنی؟ پیامبر فرمود: ای خدیجه! برای گمراهی این مردم گریه می کنم.

حضرت خدیجه علیها السلام که ناراحت و مضطرب جلوی در خانه ایستاده بود، حمزه را دید که از شکار بر می گردد. بلافاصله جلو رفت و خطاب به حمزه گفت: «ای حمزه! به شکار شیر(1) می روی و مردم به صورت برادر زاده ات سیلی می زنند و کسی از او حمایت نمی کند!»

حمزه با شنیدن این خبر بر آشفت و گفت: تا انتقام او را نگیرم آرام نخواهم نشست. سپس جلوی کعبه ایستاد و با صدای بلند اعلام کرد: «ای اهل مکه! بدانید که من هم مسلمان شده ام و به کیش برادر زاده ام در آمده ام و هر کس بخواهد به او تعرض کند، با من طرف است».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می فرماید:

«ما اوذی نبی بمثل ما اوذیت(2)؛ هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» با این وجود خدیجه علیها السلام در مقابل تمام این آزارها و اذیت ها، یاور صدیق و آرام بخش روح و جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن دوران سخت بود.

ص: 80

1- (1) حمزه قبل از ظهور اسلام گاهی به شکار شیر می رفت و به همین علت شکارچی شیر لقب گرفته بود.

2- (2) بحار الانوار، ج 39، ص 56.

حضرت خدیجه علیها السلام به همسرش عشق می ورزید و با تمام وجود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دوست می داشت. این بانوی بزرگ در فرصت های مناسب علاقه و محبت درونی خود را به همسرش به اشکال مختلف اظهار می کرد.

ایشان در قالب اشعاری زیبا درباره پیامبر اکرم، مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می دارد:

«فلوانتی امشیت فی کل نعمه و دامت لی الدنیا و ملک الاکاسره فما سویت عندی جناح بعوضه اذا لم یکن عینی لعینک ناظره (1)؛ اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، در نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد؛ زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد».

به قول سلیمان کتانی نویسنده نامی عرب، خدیجه علیها السلام محبت و دوستی را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اهدا می کند، ولی در عوض همه ابعاد سعادت را از او کسب می کرد. (2)

ادب حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام به لحاظ داشتن اعتقادات عمیق دینی، اصالت خانوادگی و شخصیت اجتماعی، ادب در گفتار و رفتار و حفظ احترام به دیگران با شخصیتش عجین شده بود. ایشان قبل از اسلام با تجار، کارکنان و همسایگان خود نیز با ادب و احترام بسیار زیادی رفتار می نمود. تمام مورخین

ص: 81

1- (1) مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 44.

2- (2) علی محمد دخیل، خدیجه علیها السلام، ص 32.

اتفاق نظر دارند که هیچ گاه از خدیجه علیها السلام رفتار بی ادبانه، و اهانت آمیزی نسبت به دیگران سر نزد.

حضرت خدیجه علیها السلام در طول زندگی مشترکی که با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشت، به علت درک درست و فهم عمیقی که از رسالت همسرش به دست آورده بود، ادب و احترام وصف ناپذیری برای آن حضرت قایل بود.

در روزی که امین قریش را برای تجارت دعوت نمود، شخصیت و مقام رفیع رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک می کند و خطاب به دو غلام خود، میسره و ناصح می گوید:

«اعلما قد ارسلت الیکما امینا علی اموالی و انه امیر قریش و سیدها، فلا یدُ علی یده، فان باع لایمنع، و ان ترک لا یؤمر، فلیکن کلامکما بلطف و أدب و لا- یعلوا کلامکما علی کلامه؛ من امینی بر اموال خود گماشتم؛ همو که امیر بزرگ قریش است، دستی بالای دست او نیست. اگر تصمیم بر فروش متاعی بگیرد، نباید کسی مانع شود. اگر تصمیم گرفت چیزی نفروشد، کسی حق ندارد دستوری به او بدهد. شما موظفید با لطف و ادب با وی سخن بگویید، و بالای حرف او حرفی نزنید».

پس از آن هنگامی که پیشنهاد ازدواج به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داد و دید که همسرش از حیث مالی در تنگنا است، خطاب به آن حضرت فرمود:

«والله یا محمد ان کان مالک قلیلاً فمالی کثیر، و من یسمح لک بنفسه کیف لا یسمح لک بماله، و أنا و مالی و جوارى و جمیع ما املک بین یدیک و فی حکمک لا امنعک منه شیئا؛ به خدا سوگند ای محمد اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم، و کسی که خود را در اختیار تو قرار داده است، چگونه مالش در خدمت شما

نباشد، من و سرمایه ام، و کنیزانم و آنچه را که در اختیار دارم از آن شماس است، امر، امر شماس است و هیچ منعی از طرف من نیست».

در مراسم عقد نیز آنگاه که خطبه عقد خوانده شد، و مهمانان یک به یک به خانه خود رفتند، وقتی پیامبر گرامی، نیز همانند سایر مهمانان می خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، خدیجه علیها السلام خطاب به همسرش گفت: «الی بیتک، فیتی بیتک و انا جاریتک».(1)

به خانه خود وارد شوید، خانه من خانه تو است و من کنیز تو هستم. امر شماس است و هیچ منعی از طرف من نیست.

حضرت خدیجه علیها السلام در آخرین لحظات عمرش، هنگامی که داشت از دنیا می رفت، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بالای سرش نشسته بود، خطاب به آن حضرت فرمود: «من در حق شما کوتاهی کردم مرا عفو کن». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جوابش فرمود: «هرگز از توقصوری ندیدم، تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی».(2)

این بانوی بزرگ حتی نسبت به مخالفین و دشمنانش که سال های متمادی انواع اذیت و آزارها را در حقش روا داشتند، با ادب و احترام رفتار می کرد. ام جمیل، همسر ابولهب، همسایه دیوار به دیوار خدیجه علیها السلام بود و از هیچ گونه آزار و اذیت و زخم زبانی نسبت به خدیجه علیها السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دریغ نمی کرد. اما خدیجه کبری علیها السلام هیچ گاه نسبت به او بی احترامی و بی ادبی ننمود.

ص: 83

1- (1) بحار الانوار، ج 1، ص 4.

2- (2) شجره طوبی، ج 2، ص 235.

حضرت خدیجه علیها السلام بخشنده ترین زن زمان خود شناخته می شد. خانه اش قبل از ظهور اسلام، پناهگاه فقرا و مستمندان و محل رفت و آمد نیازمندان و از راه ماندگان بود(1). ایشان به اطرافیان و بستگان خود توجه می نمود و به مناسبت های مختلف از آنان دستگیری می کرد. تجار و بازرگانی که به علت نداشتن سرمایه توان تجارت نداشتند را دعوت می کرد و بخشی از سرمایه اش را جهت تجارت در اختیار آنان قرار می داد.

در روزهای اول زندگی که هنوز چند روزی از ازدواجش با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نگذشته بود، تمام اموال و سرمایه اش را به همسرش بخشید تا به هر نحوی که مصلحت می داند آن را در راه نشر اسلام و حفظ مسلمانان هزینه نماید.

اینک برای نمونه، برخی از بخشش های حضرت خدیجه علیها السلام را از نظر می گذرانیم:

1 - زید جوانی از قبیله کلب بود که اسیر راهزنان شده بود. حکیم بن حزام - برادر زاده حضرت خدیجه علیها السلام - در بازار عکاظ، او را خرید و به خدیجه علیها السلام هدیه کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم زید را بسیار دوست می داشت و به او علاقه مند بود، خدیجه علیها السلام که علاقه مندی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به زید دید، او را به آن حضرت بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز زید را آزاد کرد و در کنار خود نگاه داشت و از آن پس به عنوان فرزند خوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شناخته می شد.

ص: 84

2- روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه نشسته بود و با خدیجه گفت و گو می کرد. در این حال خیر آوردند که حلیمه بنت عبدالله سعیدیه (1) آمده است. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تا نام حلیمه سعیدیه را شنید، شوق و شغف بر چهره اش نشست. حضرت خدیجه علیها السلام به استقبال حلیمه رفت و او را به داخل خانه دعوت نمود. وقتی حلیمه سعیدیه وارد خانه شد، چشم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که به حلیمه افتاد به او اشاره کرد و فرمود: «مادرم! مادرم! مادرم!» پس از جا برخاست، ردایش را زیر پای حلیمه پهن کرد و دوزانو در مقابلش نشست و چنان با او رفتار می کرد و گفتگو می نمود که انگار مادرش آمنه بنت وهب است که به دیدن فرزندش آمده است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وضعیت زندگی حلیمه و اوضاع و احوال مردم قبیله و زندگی آنان را پرسید. حلیمه سعیدیه گفت: زندگی بر مردم قبیله سخت شده، خشک سالی سختی در منطقه ایجاد شده و بیابان خشک است.

پیامبر این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشت. آن بانوی فداکار چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشید و او نیز با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت. پس از طلوع اسلام، حلیمه به همراه شوهرش به مکه آمدند و مسلمان شدند. (2)

3- ثویبه، کنیز ابولهب پس از مادر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اولین زنی بود که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم شیر داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را بسیار دوست می داشت و احترامش می کرد. بانوی بزرگ مکه چون علاقه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به

ص: 85

1- (1) دایه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دوران طفولیت.

2- (2) احمدخلیل جمعه، نساء اهل البیت فی ضوء القرآن و الحدیث، ص 32.

ثوبیه را دید، از ابولهب خواست ثوبیه را به او بفرشد تا او را آزاد کند، اما ابولهب حاضر به فروش ثوبیه نشد. آن حضرت وقتی از خرید ثوبیه مأیوس شد، برای اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شاد کند، همیشه او را مورد توجه و عنایت خود قرار می داد و از هر گونه بذل و بخششی نسبت او دریغ نمی کرد. (1)

صبر و بردباری حضرت خدیجه علیها السلام

دوران بیست و پنج ساله زندگی مشترک حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سخت ترین و مشکل ترین دوران زندگی آنان بوده است.

سالهای اولیه زندگی مشترکشان مصادف بود با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که سالهای کتمان و پنهان بودن اسلام و مخفی بودن مسلمانان و اعمال اسلامی بود. پس از آن دوران اظهار و اعلان عمومی اسلام و حضور مسلمانان در مراکز عمومی بود که با انواع آزار و اذیت و شکنجه کفار و مشرکین مکه مواجه بودند، پس از آن دوران سه ساله تبعید و محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب پیش آمد. خدیجه علیها السلام در تمام این مراحل سخت و طاقت فرسا صبر و بردباری را پیشه کرد و همیشه همراه و همگام و آرامبخش رسول خدا علیها السلام بود.

پس از ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، زنان مکه صحبت کردن و رفت و آمد با او را قطع نمودند و جواب سلامش را نمی دادند. ام جمیل، همسر ابولهب - که همسایه دیوار به دیوارش بود - از هرگونه اذیت و آزار و زخم زبان دریغ نمی کرد و هر خار و خاشاک و خاکروبه بر خانه خدیجه می ریخت و مانع رفت و آمدش می شد. این بانوی بزرگوار بر تنهایی ها و زخم زبان زنان مکه صبر نمود و هیچگاه لب به شکوه و شکایت نگشود.

ص: 86

وقتی خداوند متعال پس از سال‌ها انتظار، دو فرزند پسر نصیصش کرد، هر دو فرزندش یکی پس از دیگری با فاصله‌ای بسیار اندک از دنیا رفتند اما آن حضرت در مرگ فرزندانش صبر کرد و کلمه‌ای که باعث رنجش خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شود بر زبان جاری نکرد.

از جلوه‌های دیگر بردباری بانوی قریش این بود که وقتی عتبه و عتیبه، فرزندان ابولهب، همسرانشان؛ یعنی ام کلثوم و رقیه که دختران آن حضرت بودند را طلاق دادند و برای همیشه آنها را از خانه بیرون نمودند. هر دو دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه پدر برگشتند. حضرت خدیجه علیها السلام دخترانش را با آغوش باز پذیرفت و در مقابل زخم زبان‌های مردم می‌گفت: «حتماً خداوند در این کار خیری قرار داده است».

پس از مدتی رقیه مجدداً ازدواج نمود. اما چند صباحی از ازدواج آنان نگذشته بود که آزار و اذیت‌های مشرکین موجب شد تا رقیه به همراه همسرش و تعداد دیگری از مسلمانان، خانه و کاشانه خود را در مکه ترک و به حبشه مهاجرت نماید و همسر گرامی پیامبر در فراق دخترش چشم به انتظار بنشیند.

از دیگر جلوه‌های صبر این بانوی عظیم‌الشان این بود که در سال پنجم بعثت یعنی هنگام وضع حمل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تک و تنها در خانه نشسته بود. زنان مکه او را تنها گذاشته بودند و پیام فرستادند که «ما با تو مخالفیم چون با یتیم ابوطالب ازدواج کردی، ما هرگز نزد تو نمی‌آییم و در هیچ کاری به تو کمک نمی‌کنیم». در این وضعیت کسی به دیدنش نمی‌رفت و احوالش را نمی‌پرسید.

حضرت خدیجه علیها السلام در تمام دوران پر فراز و نشیب زندگی خود که پر از رنج و مشقت و اذیت و آزارهای بی‌حد و حصر مشرکین و کفار همراه بود،

صبر و تحمل را پیشه ساخت و هرگز کلمه ای که رنجش یا ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در پی داشته باشد، بر زبان جاری نساخت و شکوه و گلایه نزد کسی نبرد.

خداوند متعال به پاس صبر و بردباری حضرت خدیجه علیها السلام، در شب ولادت حضرت فاطمه علیها السلام که تک و تنها در خانه نشسته بود، او را تنها نگذاشت و آسیه، صفورا، مریم و ساره زنان برتر آفریش را به یاری اش فرستاد. در عظمت او همین بس که در دامش بافضلیت ترین و برترین زن عالم به دنیا آمد و خداوند ائمه معصومین علیهم السلام و حجت های خود در روی زمین را از نسل او قرار داد.

هوش و ذکاوت حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام از معدود زنان بسیار باهوش، زیرک و با بصیرت زمان خود بشمار می رفت که توانسته بود در جامعه جاهلی آن روز که زن از هیچ جایگاه اجتماعی و حتی شخصیت انسانی برخوردار نبود، از موقعیت و جایگاه فردی و اجتماعی بسیار ممتازی برخوردار گردد.

آن حضرت از تجار معروف زمان خود بود. نقل شده وی بردگان بسیار زیادی در مناطق مختلف داشت و دارای هشت هزار شتر بوده (1)، که در هر ناحیه ای - در داخل و خارج عربستان - تجارت می کرده، و در مناطقی همچون مصر و حبشه مال و سرمایه داشته است. اداره کردن و سامان دادن این سرمایه عظیم در زمانی که زن از همه حقوق خود محروم بود و او را بعنوان انسان نمی شناختند و حق حضور در جامعه را نداشت، نمایانگر نبوغ و هوش بسیار

ص: 88

1- (1) بحار الانوار، ج 16، ص 22 به نقل از ابی الحسن البکری؛ الخصائص الفاطمیه للکجوری، ج 1، ص 449.

بالای ایشان می باشد که او را از تمامی زنان و بسیاری از مردان هم عصرش برتر نموده بود.

نبوغ بالای وی در شناسایی، جذب و به کارگیری مردان امین و متبحر در امر تجارت، توانایی رقابت تجاری با تجار زمان، داشتن مدیریت کارآمد در حفظ و رشد سرمایه عظیمی که در اختیارش بود، نشان دهنده مدیریت قوی حضرت خدیجه علیها السلام است.

آن حضرت تنها فردی بود که عظمت شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اخلاق متعالی او را درک کرد و با تأمل در خصوصیات اخلاقی و روحی آن حضرت، به شخصیت بزرگ و آینده درخشان او پی برد.

آن بانوی بزرگوار در دوران تاریک جهل و بت پرستی، با بصیرت دقیقی که داشت، اوصاف پیامبر آخرالزمان را بدست آورد، علائم و نشانه های ظهور را شناسایی نمود و با شناخت دقیقی که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بدست آورده بود، او را بعنوان همسر خود انتخاب نمود(1). با ظهور اسلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او اولین نفری بود که به پیغمبر آخر الزمان ایمان آورد.

همچنین شیوه همسردرای، نحوه تربیت فرزندان، رفتار با همسایگان و تازه مسلمانان و حتی مشرکین، از او شخصیتی کم نظیر ساخت به طوری که به هنگام رحلت آن بانوی بزرگ اسلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خلأ وجودی اش را احساس و همیشه از او به نیکی یاد می کرد.

از هوش و ذکاوت او در خانه داری و مهارت های رفتاری و ارتباطی، همین بس که توانست علی علیه السلام را در کنار زید بن حارثه، برده و فرزند خوانده رسول الله که از خانواده دیگری بود، و نیز فرزندان همسران قبلی اش را به همراه

ص: 89

فرزندانی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند بر یک سفره بنشانند و در زیر یک سقف بخوابند و همه آنها بدون رقابت و حسادت با همدیگر زندگی کنند و هر کدام بر اساس توانایی و ظرفیت وجودی شان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهره گیرند.

خانه حضرت خدیجه علیها السلام

خانه حضرت خدیجه علیها السلام از جمله مکان های مهم اسلام است که تحولات و حوادث تلخ و شیرین بسیار زیادی در آن رخ داده است و بعنوان یکی از مهمترین مراکز تاریخی و مذهبی مسلمانان به شمار می آمده است. مسلمانان در طول تاریخ نسبت به آن توجه ویژه داشته و به زیارت این مکان مقدس می رفته اند.

حضرت خدیجه علیها السلام این خانه را در روزهای اول زندگی مشترکشان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هدیه کرد. از این خانه بود که خورشید اسلام طلوع کرد و نور اسلام به سراسر جهان پرتو افشانی می نمود.

عده زیادی از صحابه در این خانه به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شدند و پس از شنیدن سخنان آن حضرت شهادتین را بر زبان جاری و مسلمان از آنجا بیرون آمدند. از جمله کسانی که در این خانه به اسلام گرویدند عبارتند از: حضرت علی علیه السلام، زید بن حارثه، تمامی دختران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ابابکر، زبیر بن عوام، ابوذر غفاری و عثمان ابن مظعون.

روزی عثمان بن مظعون از کنار خانه حضرت خدیجه علیها السلام عبور می کرد و چشمش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افتاد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به خانه دعوت کرد. عثمان نیز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفت و وارد خانه شد و کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشست. در این لحظه جبرئیل امین نازل شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم غرق در فرا گرفتن آیات الهی بود و لحظاتی از عثمان بن مظعون غافل گردید. عرق از سر و صورتش می ریخت و بسیار خسته به نظر می رسید. وقتی نزول آیات الهی به اتمام رسید،

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از لحظاتی به حالت عادی خود برگشت. عثمان پرسید چه شد؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی تو نشستی، جبرئیل بر من نازل شد. عثمان پرسید چه گفت؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل امین این آیه را نازل کرد:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ 1؛

«همانا خداوند به عدل و احسان، و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند. خداوند به شما اندرز می دهد شاید متذکر شوید.»

عثمان وقتی این آیات را شنید، به خدا و رسول خدا ایمان آورد و بعدها از یاران بسیار نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گردید. (1)

اصبغ بن نباته می گوید: عصر روز جمعه در مسجد در حضور علی علیه السلام بودم که مردی بلند قامت به نام سواد بن قارب خدمت امام آمد. او بعد از رد و بدل شدن مطالبی گفت: «از یمن سوار شتر شدم و به سوی مکه آمدم. با نخستین کسی که روبه رو شدم ابوسفیان بود. بر او سلام کردم و پیرامون خاندان قریش پرسیدم، گفت: مشکلی نیست، فقط یتیم ابوطالب دین ما را فاسد کرده است. گفتم: نام او چیست؟ گفت: محمد صلی الله علیه و آله و سلم. پرسیدم: کجاست؟ گفت با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرده و در خانه اوست. مهار شتر را کشیدم و به خانه خدیجه علیها السلام رفتم و در زدم. وقتی وارد شدم سیمای نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم و به رسالت او ایمان آوردم» و بعد از وداع به یمن برگشت.

ص: 91

خانه خدیجه علیها السلام محل تولد برترین و با فضیلت ترین بانوی هستی، یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، که در شب ولادت آن حضرت، بانوان برگزیده خدا بر آن خانه داخل شدند تا به یاری همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بشتابند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از دریافت اولین پیام الهی و مبعوث شدن به رسالت، در حالی که می لرزید و رنگش تغییر نموده بود با حالتی خسته وارد این خانه شد و به خدیجه علیها السلام فرمود: «مرا در پارچه ای به پیچ.» یار وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای آن حضرت بستری آماده کرد و ایشان را در پارچه ای پیچاند. پس از استراحتی کوتاه بار دیگر جبرئیل وارد خانه شد و آیه: یا ایها المزمّل را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد. (1) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز از جای برخاست و به دنبال مأموریتش رفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آیه وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ 2 علی علیه السلام را مأمور کرد تا بنی هاشم را دعوت نماید. حدود چهل نفر از بنی هاشم در خانه حضرت خدیجه علیها السلام جمع شدند. ایشان غذای مفصلی برای آنان آماده نمود. در این خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسماً نبوت خود را اعلان کرد و بنی هاشم را به پیروی از اسلام دعوت نمود، که با شیطنت و مزاحمت های ابولهب این جلسه ادامه نیافت و بنی هاشم یک به یک به خانه هایشان برگشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به اهدافش نرسیده بود، جلسه دیگری تشکیل داد و در آن جلسه پس از سخنرانی مفصلی، علی علیه السلام را به عنوان وزیر و جانشین خود معرفی کرد.

ص: 92

بنا به نقل برخی از مورخین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خانه حضرت خدیجه علیها السلام به معراج رفت و هنگام مراجعت نیز در همین خانه فرود آمد. (1)

در ليله المبيت كفار مکه خانه خدیجه را محاصره و تصمیم به قتل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفته بودند. لکن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خانه را ترک و حضرت علی علیه السلام در بسترش خوابیده بود.

پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه، عقیل که نزدیک ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مکه بود، برای مانع تصرف کفار شود، خانه را تصرف و در آن ساکن شد.

مسلمانان سراسر جهان در طول تاریخ نسبت به حفظ و نگهداری خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که یادآور تاریخ دوران صدر اسلام بود توجه خاصی داشتند و هر ساله آن را مرمت و بازسازی می کردند و در حفظ و نگهداری آن می کوشیدند.

محقق نراقی درباره خانه خدیجه علیها السلام می نویسد: در مکه اماکن شریف و با فضیلت دیگری غیر از عرفات و حطیم وجود دارد؛ یکی از آنها خانه خدیجه علیها السلام است. این خانه، خانه وحی و محل تولد حضرت زهرا، سرور زنان عالم است. خانه خدیجه در سوق الصباغین (2) در سمت راست کسی که از صفا به سمت مروه حرکت می کند، واقع شده است. روی این خانه گنبد و بارگاهی بوده است و به مسجد الحرام چسبیده است. مستحب است به زیارت آن رفت و در آنجا دو رکعت نماز تحیت خواند و حاجات را از خدا بخواهی (3).

ص: 93

1- (1) بحار الانوار، ج 43، صص 53 و 54؛ خلاف شیخ طوی، ج 3، ص 189؛ مختلف الشیعه، علامه حلی، ج 5، ص 60؛ جواهر الکلام، ج 22، ص 352.

2- (2) بازار رنگ فروش ها.

3- (3) مستند الشیعه، للمحقق النراقی، ج 13، 96.

تقی الدین فاسی حسنی، مورخ مکه، بعد از ذکر برخی از خصوصیات خانه حضرت خدیجه علیها السلام به نقل از محب طبری، صاحب کتاب الجامع الطیف، می نویسد: بنا این خانه با فضیلت ترین اماکن مکه بعد از مسجد الحرام می باشد. (1)

ابن بطوطه، جهانگرد نامی می نویسد: «از جمله مشاهد مشرفه در نزدیکی مسجد الحرام واقع شده «قبه الوحی» است که خانه خدیجه ام المؤمنین می باشد». (2)

شیخ مرتضی انصاری رحمه الله در مناسک حج خود می نویسد: «در مکه معظمه، مستحب است که حجاج خانه خدا به منزل حضرت خدیجه شرفیاب شوند». (3)

با حاکمیت وهابیون در سرزمین حجاز، متأسفانه این خانه نیز همانند صدها آثار و بنای تاریخی - اسلامی دیگر تخریب و محو گردید. با اعتراضات پی در پی مسلمانان، شهردار مکه مجبور شد در این مکان مدرسه ای برای حفظ قرآن بسازد. پس از مدتی آن را نیز تخریب و فضیلت مکان مکه بعد از مسجد الحرام، یعنی خانه خدیجه علیها السلام تبدیل به «دوراه المیاه» سرویس های دستشویی گردید. (4)

ص: 94

1- (1) تقی الدین سبکی، الزهور المقتطه من تاریخ مکه، ص 122، ط دارصابر؛ الجامع الطیف، ص 328.

2- (2) ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج 2، ص 110.

3- (3) مناسک حج شیخ انصاری رحمه الله، ص 127.

4- (4) http://en.wikipedia.org/wiki/Destruction_of_sites_associated_with_early_Islam.

فصل پنجم: حضرت خدیجه سلام الله علیها در قرآن

اشاره

ص: 95

در قرآن آیاتی در بیان صفات و جایگاه برخی از زنان از جمله حضرت خدیجه علیها السلام نازل شده است.

ابن شهر آشوب⁽¹⁾ در این رابطه می گوید: در قرآن خدای تعالی در قرآن مجید از دوازه زن بصورت کنایه نام برده است که عبارتند از:

1 - وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ 2. در مورد حوا همسر آدم.

2 - ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ 3. در مورد همسران نوح و لوط.

3 - إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ 4. در مورد همسر فرعون.

4 - وَامْرَأَتُهُ قَانِمَةٌ 5. در مورد همسر ابراهیم.

ص: 97

1- (1) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 102 باتغییراتی. بحار الانوار، ج 43، ص 35.

- 5- وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ 1 . در مورد همسر زکریا.
- 6- الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ 2 . در مورد زلیخا همسر عزیز مصر.
- 7- وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ 3 . در مورد همسر ایوب.
- 8- إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ 4 . در مورد بلقیس.
- 9- قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ 5 . در مورد دختران شعیب.
- 10- وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا 6 . در مورد حفصه و عایشه.
- 11- وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى . (1) در مورد خدیجه علیها السلام.
- 12- مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ 8 . در مورد حضرت فاطمه علیها السلام.

ص: 98

1- (7) و تورا فقیر یافت و بی نیاز نمود. سوره ضحی، آیه 8.

در قرآن برای برخی از زنان صفاتی ذکر شده است که عبارتند از:

- 1 - توبه برای حوا همسر آدم. قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا (1).
- 2 - شوق و امید برای آسیه همسر فرعون: إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ 2.
- 3 - مهمانی برای ساره همسر حضرت ابراهیم علیه السلام: وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ 3.
- 4 - عقل برای بلقیس: قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا 4.
- 5 - حیا برای همسر موسی (دختر شعیب): فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ 5.
- 6 - احسان برای خدیجه علیها السلام: وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (2).

ص: 99

1- (1) گفتند: پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! سوره اعراب، آیه 23.

2- (6) و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود سوره ضحی، آیه 8

7 - نصیحت برای عایشه و حفصه: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ 1 .

8 - عصمت برای فاطمه زهرا علیها السلام: وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ 2 .

اضافه بر آیات مذکور، آیات زیاد دیگری اشاره به مقام و عظمت خدیجه علیها السلام دارد که تنها به یک مورد اشاره می شود.

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ 3 . سبقت خدیجه کبری به اسلام بر کسی پوشیده نیست، زیرا آن حضرت اولین زنی بود که به رسول خدا ایمان آورد.

خدیجه کبری علیها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همسران متعددی داشته است، اما از میان آنها، تنها حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان برترین و با فضیلت ترین همسر خود و یکی از چهار

زن برتر هستی معرفی نمود و این مقام و فضیلت شامل هیچ کدام از زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم افضلیت و برتری خدیجه علیها السلام را بر سایر همسرانش به الفاظ و شیوه های مختلف و در احادیث متعددی بیان فرموده است.

شاید تأکیدات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر افضلیت خدیجه علیها السلام بر سایر همسران و معرفی وی به عنوان یکی از چهار زن برتر عالم، اضافه بر عظمت و مقام رفیع آن بانوی بزرگوار، به خاطر حوادث و فتنه هایی بود که در آینده دامن گیر مسلمان خواهد شد. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه علیها السلام و دخترش فاطمه زهرا علیها السلام را به عنوان دو شاخص و الگوی مطمئن به مسلمانان معرفی می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کامل ترین و با فضیلت ترین زنان جهان آفرینش را چهار زن معرفی کرده که دو نفرشان از مسلمانان انتخاب شده اند و مابقی از ادیان پیشین اند.

حدیث اول: حدیث خیریه

بخاری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود:

«خیر نسائها مریم ابنة عمران و خیر نسائها خدیجه؛ بهترین زنان دنیا خدیجه علیها السلام و مریم دختر عمران هستند»⁽¹⁾.

در این حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تنها دو نفر از زنان را بعنوان زنان برتر جهان معرفی می کند که عبارتند از حضرت خدیجه علیها السلام در بین مسلمانان و حضرت مریم علیها السلام در آیین مسیحیت.

ص: 101

1- (1) صحیح بخاری، ج 4، ص 138؛ بحار الانوار، ج 16، ص 7.

حدیث دوم: حدیث تفضیل

ابن حجر عسقلانی در حدیثی از عمار یاسر نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لقد فضلت خدیجه علی نساء امتی كما فضلت مریم علی نساء العالمین» (1) خدیجه برتری یافته بر زنان امت من همانطور که مریم برتری یافته بر زنان عالمین».

حدیث سوم: حدیث افضلیت حضرت خدیجه در بهشت

احمد بن حنبل در مسند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که آن حضرت چهار خط روی زمین کشید و فرمود: آیا می دانید این خطوط چه هستند؟ گفتند: نه یا رسول الله خدا و رسولش بهتر می دانند.

فرمود:

«افضل نساء اهل الجنة، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد، و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون و مریم بنت عمران؛ بهترین زنان بهشت، خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون و مریم دختر عمران هستند.» (2)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث، با ترسیم خطوط آموزشی، زنان الگو و نمونه هستی را در دنیا و جهان آخرت نام برده و مشخص نموده است. از این حدیث معلوم می شود که این چهار زن در بهشت هم برترین زنان اند و تا قیامت کسی برتر از آنها خلق نخواهد شد.

ص: 102

1- (1) فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج 7، ص 101؛ تفسیر تیان، ج 2، ص 456.

2- (2) مسند احمد بن حنبل، من مسند عبدالله بن عباس، ج 1، ص 293؛ فضائل الصحابه، نسایی، ص 74.

حدیث چهارم: زنان خیر دو جهان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث می فرماید:

«خیرنساء العالمین مریم ابنه عمران، و آسیه بنت مزاحم، و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم» بهترین زنان جهانیان عبارتند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (1).

در این حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنان برتر هستی را از ابتدا تا انتهای هستی در همه ادیان را بر شمرده است.

حدیث پنجم: زنان سرور جهان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد زنانی که بر زنان جهان سروری دارند فرمود:

«اربع نسوة سیدات عالمهن مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد، و افضلهن علماً فاطمه؛ چهار زن سرور زنان جهان اند که عبارتند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، و بهترین آنها از نظر علمی فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است» (2).

حدیث ششم: با کمال ترین زنان هستی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی به ذکر نام چهار زن با کمال هستی پرداخته و می فرماید:

ص: 103

1- (1) الاستیعاب، ج 2، ص 720؛ الاحاد و المثانی، ج 5، ص 364.

2- (2) ذخائر العقبی، ص 44؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 12، ص 155.

«حسبک من نساء العالمین مریم بنت عمران، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آسیه بنت مزاحم؛ (1) در میان بانوان دو جهان، در فضیلت و کمال کافی است: مریم علیها السلام، خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام و آسیه علیها السلام» (2).

حدیث هفتم: بهترین جده ها

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد در حضور مردم در شأن حسن و حسین علیهما السلام فرمود:

«ایها الناس الا اخبرکم بخیر الناس جدا و جده؛ ای مردم! آیا شما را خبر بدهم به بهترین انسان ها از جهت جد و جده؟ حاضران عرض کردند: آری یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خبر بده! فرمود:

«الحسن و الحسین، جدھما رسول الله و جدتھما خدیجه بنت خویلد»؛ (3) آنها حسن و حسین علیهما السلام هستند که جدشان رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و جده آنها خدیجه علیها السلام دختر خویلد می باشد».

روایات نقل شده از حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام در طول زندگی مشترک بیست و پنج ساله ای که با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داشت، حوادث و رویدادها مختلفی را به چشم دید. در طول این دوران، روایات، نصایح و فرمایشات بسیار زیادی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده

ص: 104

1- (1) کشف الغمه، ج 2، ص 71.

2- (2) کشف الغمه، ج 2، ص 71.

3- (3) بحار، ج 43، ص 302، به نقل از خدیجه، اسطوره مقاومت و ایثار، ص 198.

بود. بسیاری از مذکرات، تصمیم‌گیری‌ها و ملاقات‌های آشکار و پنهان صحابه با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خانه اش صورت می‌گرفت و از گفتگوها و تصمیماتی که در این جلسات گرفته می‌شد، مطلع می‌گردید. در طول این دوران، هزاران روایت و حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مناسبت‌های مختلف را شنیده و خاطرات زیادی در ذهنش نقش بسته بود. خدیجه علیها السلام نسبت به سایر همسران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیشترین زندگی مشترک با آن حضرت را داشته و بیش از همه مورد اعتماد و عنایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. اما با این همه اوصاف متأسفانه از این بانوی بزرگ و برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایات بسیار محدودی نقل شده است.

البته برخی از مورخین اهل سنت نظرشان بر این است از حضرت خدیجه علیها السلام هیچگونه روایتی نقل نشده است و آن حضرت را جزء راویان حدیث نمی‌دانند؛ اما عده دیگری از مورخین اهل سنت آن حضرت را از جمله روایان حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمرده‌اند گرچه معتقدند احادیث بسیار کمی از وی نقل شده است. (1)

برابر برخی از تحقیقات و بررسی‌های صورت گرفته، از حضرت خدیجه علیها السلام احادیثی نقل شده که متأسفانه به مرور زمان بوسیله دست‌های پنهان و مخالفین اهل بیت علیه السلام از کتب حدیثی حذف گردیده است. از جمله در کتاب «رجال صحیح بخاری، کلاباذی» به نقل از صحیح بخاری به شماره 1417، حدیثی از حضرت خدیجه علیها السلام نقل می‌کند که در چاپ‌های فعلی حدیث مذکور

ص: 105

1- (1) از جمله: ابن حیان در کتاب الثقات، العجلی در کتاب معرفه الثقات، این قایماز ذهبی در المعین فی طبقات المحدثین. برای اطلاع بیشتر به کتاب خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امرأه، ج 2، ص 200، اصدار: قسم الشئون الفکریه و الثقافه فی العتبه الحسینیه المقدسه.

حذف گردیده است و این نشان دهنده این است که صحیح بخاری توسط مخالفین اهل بیت علیه السلام دستخوش تحریف قرار گرفته است و الا اگر چنین حدیثی وجود نداشت، هیچگاه مورخ بزرگی همچون کلاباذی به آن استناد نمی کرد(1).

تعداد احادیثی که از حضرت خدیجه علیها السلام نقل شده عبارتند از:

1 - حدیث دعای طواف بیت.

روی السیوطی عن ابن ابی الدنیا، والبیهقی عن عبدالاعلی التیمی قال: قالت خدیجه علیها السلام: «ما اقول و انا اطوف بالبيت؟ قال: قولی: اللهم اغفر ذنوبی و خطئی و عمدی و اسرافی فی امری انک ان لا تغفر لی تهلکنی»(2).

از حضرت خدیجه علیها السلام نقل شده که ایشان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: در هنگام طواف چه بگویم؟

«پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود بگو: خدایا گناهان عمدی و سهوی و اسرافم در امور را ببخش، اگر تو مرا نبخشی، هلاک می شوم»(3).

ص: 106

1- (1) همان، ج 2، ص 202 مراجعه شود.

2- (2) سیوطی، جمع الجوامع، ج 1، ح 15540؛ جامع الاحادیث للسیوطی، ج 16، ص 204، رقم 15320؛ الدر المنثور للسیوطی، ج 4، ص 358؛ کنز العمال للمتمقی الهندی، ج 5، ص 57، رقم 12033.

3- (3) برخی از مورخین نقل کرده اند که تنها حدیث روایت شده از حضرت خدیجه این یک روایت است و روایت دیگری از آن حضرت نقل نشده است. برای اطلاع بیشتر به کتاب خدیجه بنت خویلد امه فی امرآه مراجعه شود.

«عن إسماعيل بن أبي حكيم مولى آل الزبير أنه حدث عن خديجه أنها قالت لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أي ابن عم أتستطيع أن تخبرني بصاحبك هذا الذي يأتيك إذا جاءك قال نعم قالت فإذا جاءك فأخبرني فجاء جبرئيل عليه السلام فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لخديجه يا خديجه هذا جبرئيل قد جاءني قالت قم يا ابن عم فاجلس على فخذي اليسرى فقام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فجلس عليها قالت هل تراه قال نعم قالت فتحول فاقعد على فخذي اليمنى فتحول فقالت هل تراه قال نعم قالت فاجلس في حجرى ففعل قالت هل تراه فقال لا قالت يا ابن عم اثبت وأبشر فوالله إنه لملك كريم وما هو بشيطان قال ابن إسحاق وقد حدث بهذا الحديث عبد الله بن الحسن قال قد سمعت أمى فاطمه بنت حسين تحدث بهذا الحديث عن خديجه إلا أنى سمعتها تقول أدخلت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بينها وبين درعها فذهب عند ذلك جبرئيل عليه السلام فقالت خديجه لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إن هذا لملك وما هو بشيطان(1)؛ إسماعيل بن أبي حكيم مولى آل زبير روایت کند کہ خديجه رضوان اللہ علیہا بہ پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم گفت: ای ابن عم آیامی توانی کہ مرا خبر کنی وقتی کہ صاحب تو جبرئیل بر تو

ص: 107

1- (1) كشف الغمه، ترجمه و شرح زواره ای، ج 2، ص 78؛ فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج 1، 105، باب فی بدء نزول الوحى على النبی صلى الله عليه وآله وسلم و کیفیتہ ص 104.

فروود می آید؟ فرمود: بلی، گفت: وقتی که بیاید من تو را خبر می کنم. بعد از آن که جبرئیل آمد آن حضرت فرمود: ای خدیجه اینک جبرئیل آمده، خدیجه گفت: برخیز ای پسر عمو بر ران چپ من بنشین، آن حضرت برخاسته بر آنجا نشست، گفت: آیا جبرئیل را می بینی؟ گفت: بلی، گفت: بر گرد و بر ران راست من بنشین، چون نشست گفت می بینی؟ فرمود: بلی، گفت: بر کنار من بنشین؛ چون چنین کرد گفت: می بینی؟ فرمود که: نه؛ گفت: ای ابن عم این زمان مرا یقین شد، بشارت باد تو را که این ملک است نه شیطان. و ابن اسحاق گوید که عبدالله بن حسن حدیث کرده به همین حدیث که: من از مادر خود فاطمه بنت حسین شنیدم که او حدیث می کرد از خدیجه الا آن که من شنیدم که می گفت که: در وقت نزول جبرئیل خدیجه آن حضرت را داخل گردانید در میان خود و جامه اش آنگاه جبرئیل رفت خدیجه گفت به آن حضرت که البته این ملک است نه شیطان».

3 - حدیث نحوه ورود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به منزل.

فی کتاب «العدد القویه» للشیخ علی بن الحسن المطهر (اخ العلامه رحمه الله) عن خدیجه علیها السلام قالت: کان النبی صلی الله علیه و آله و سلم اذا دخل المنزل دعا بالاناء فتطهر للصلاه، ثم یقوم فیصلی رکعتین یوجز فیهما، ثم یأوی الی فراشه(1)؛ در کتاب «العدد القویه» از خدیجه علیها السلام روایت شده که فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه می شد، ظرف

ص: 108

1- (1) سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ج 1، ص 136.

آبی می خواست و برای نماز وضو می گرفت و بعد دو رکعت نماز کوتاه می گذاشت سپس به رختخواب خود می رفت».

مقام حضرت خدیجه علیها السلام نزد خدا

حضرت خدیجه علیها السلام نزد خدای سبحان دارای عزت و مقام و جایگاه بسیار بالایی در دنیا و آخرت می باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به وی فرمودند:

«یا خدیجه انّ الله عزّ و جلّ لیباهی بک کرام ملائکته کلّ یوم مرارا؛⁽¹⁾ خدیجه! خداوند عز و جل روزی چند بار به عظمت تو در نزد ملائکه مقربش مباحثات می کند».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جای دیگری نیز به نقل از جبرئیل فرموده است:

«قال جبرئیل: هذه خدیجه فاقراء علیها السلام من ربّها و منّی و بشّرّها بیتا فی الجنّه»⁽²⁾. سلام خداوند و مرا به خدیجه ابلاغ کن و مژده خانه ای در بهشت را به او بده.

ابو سعید خدری نقل می کند، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از معراج بازگشت، از جبرئیل پرسید: آیا کار دیگری هست؟ جبرئیل فرمود: «از طرف خداوند و از سوی من به خدیجه سلام برسان.» هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه را ملاقات کرد، فرمود: «ای خدیجه! خداوند و فرشتگان بر تو سلام می رسانند و گرامی ات می دارند.» خدیجه فرمود: خداوند، خود، سلام است و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و نیز سلام بر جبرئیل فرشته حق باد».⁽³⁾

ص: 109

1- (1) عوالم العلوم، ج 11، ص 41.

2- (2) صحیح بخاری، چاپ دارالقلم، ج 5، ص 112.

3- (3) سفینه البحار، ج 1، ص 379.

خداوند در بهشت، مقام بالایی را به خدیجه علیها السلام وعده داده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز بارها این مسأله را به خدیجه بشارت می داد و می فرمود: «در بهشت، خانه ای داری که در آن رنج و سختی نمی بینی»⁽¹⁾.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: هنگامی که خدیجه علیها السلام وفات نمود، فاطمه علیها السلام خردسال بود، بی تایی می کرد و گرد پدر می گشت و سراغ مادر را می گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این حالت دختر کوچکش بیشتر محزون می شد و دنبال راهی بود تا او را آرام کند. تا اینکه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «به فاطمه سلام برسان و بگو مادرت در بهشت در خانه ای کنار آسیه، همسر فرعون و مریم، دختر عمران نشسته است.» هنگامی که فاطمه این سخن را شنید، آرام گرفت و دیگری تایی نکرد.

در حدیث موثق از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که چون خدیجه علیها السلام از دنیا رفت، فاطمه علیها السلام بر گرد پدر بزرگوارش می گردید و می گفت: «ای پدر! مادرم کجاست؟ جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت امر می کند که فاطمه را سلام برسانی و بگو مادرت در خانه ای از نی که کف آن طلا است و به جای پی، عمودهایش از یاقوت سرخ می باشد و خانه او در میان خانه آسیه و مریم دختر عمران است. چون حضرت پیغام حق تعالی را به فاطمه علیها السلام رسانید، فاطمه علیها السلام گفت: خدا است سالم از نقص ها و از اوست سلامتی ها و به سوی او بر می گردد تحیت ها»⁽²⁾.

ص: 110

1- (1) بحار الانوار، ج 16، ص 11؛ الاصابه، ج 4، ص 275.

2- (2) حیوه القلوب، علامه محمد باقر مجلسی، ج 3، ص 218.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر «عینا یشرب بها المقربون(1)»، همان چشمه بهشتی که مقربان از آن می نوشند. فرمود:

«المقربون السابقون؛ رسول الله، و علی بن ابیطالب و الائمه، فاطمه و خدیجه»(2)

مقربان سابق عبارتند از: رسول خدا، علی بن ابیطالب، ائمه معصومین، فاطمه و خدیجه علیهم السلام.

مقام خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مقام و منزلت بسیار بالا و ارجمندی برخوردار بود. آن حضرت هیچ زنی را همتای خدیجه علیها السلام قرار نمی داد؛ همیشه او را تمجید می کرد و بر سایر همسران خود برتری می داد و در بزرگداشت و تکریم او تلاش زیادی می نمود.

این مقام و جایگاه تنها به خاطر این نبود که خدیجه علیها السلام همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود، زیرا آن حضرت همسران دیگری هم داشت که چنین جایگاه و مقام و منزلتی نداشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای رأی و نظر حضرت خدیجه علیها السلام در مسایل زندگی و امور اجتماعی احترام و ارزش خاصی قایل بود و هیچ گاه با رأی و نظر آن بانوی بزرگوار مخالفت نمی نمود.

وقتی ابوالعاص، خواهر زاده خدیجه علیها السلام، از زینب، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری نمود،

«فسألت خدیجه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ان یزوجه و کان رسول الله لا یخالفها» خدیجه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواست که زینب با ابوالعاص ازدواج کند، و

ص: 111

1- (1) سوره مطفین، آیه 22.

2- (2) جامع البیان، ج 10، ص 320.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد وی را پذیرفت، چون رویه حضرت بر این بود که با نظر خدیجه علیها السلام مخالفت نمی نمود. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن چنان به خدیجه علیها السلام محبت و علاقه داشت که تا ایشان زنده بود، همسر دیگری اختیار نکرد. (2) قدردانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به خدیجه علیها السلام به زمان حیات او اختصاص نداشت، بلکه پس از رحلت آن بزرگوار نیز همواره از او یاد می کرد و از وی تجلیل می نمود.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنکه همسران دیگری داشت هر وقت به یاد خدیجه علیها السلام می افتاد از وی به خوبی و نیکی یاد می کرد. روزی عایشه گفت: ای رسول خدا، چقدر از خدیجه علیها السلام یاد می کنید! خدیجه علیها السلام پیرزنی بود که از دست شما رفت، خدا بهتر از خدیجه علیها السلام را به شما عنایت کرده است! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برآشفته گشت و فرمود:

«صدقتنی اذ کذبتم و آمنت بی اذ کفرتم و ولدت لی اذ عقمتم (3)؛ او زمانی نبوت مرا تصدیق کرد که شما مرا تکذیب می نمودید. زمانی به من ایمان آورد که شما کافر بودید. وی مادر فرزندان من است، در حالی که شما چنین نیستید.»

عشق و عاطفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به همسر باکمالش به حدی بود که دوستان خدیجه علیها السلام نیز از آن بهره مند بودند.

ص: 112

1- (1) سیره ابن هشام، ج 2، ص 306.

2- (2) سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110.

3- (3) بحار، ج 16، ص 8؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، صص 112 و 117.

عایشه می گوید:

روزی پیرزنی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد، آن حضرت او را بسیار احترام کرد و مورد لطف سرشار خود قرار داد، وقتی پیرزن رفت، علت آن همه مهربانی به پیرزن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جویا شدم. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در جواب فرمود:

«انها كانت تأتينا في زمن خديجه، و ان حسن العهد من الايمان؛ اين پیرزن در زمانی که خدیجه علیها السلام زنده بود، به خانه ما می آمد و از کمک ها و الطاف سرشار خدیجه علیها السلام برخوردار می شد، همانا نگهداری نیکوی عهد و سابقه، از ایمان است»⁽¹⁾.

در روایت دیگری به نقل از عایشه آمده:

هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود: از گوشتش برای دوستان خدیجه علیها السلام بفرستید. یک روز در این باره با آن حضرت سخن گفتم، فرمود: «انی لاحب حبیبا»: من دوستان خدیجه علیها السلام را دوست می دارم.⁽²⁾

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سالگرد وفات حضرت خدیجه علیها السلام گریه می کرد⁽³⁾ و خطاب به زنانش می فرمود: «گمان نکنید مقامتان از او بالاتر است. زمانی که کافر بودید، ایمان آورد و او مادر فرزندانم است.⁽⁴⁾ حتی سال ها بعد که می خواستند خبر خواستگاری امام علی علیه السلام را از حضرت فاطمه علیها السلام به پیامبر بدهند و یادی از حضرت خدیجه شد، چشمانش پر از اشک شد. زمانی که ام سلمه از علت گریه اش پرسید، فرمود:

ص: 113

1- (1) بحار الانوار، ج 16، ص 8.

2- (2) ریاحین الشریعه، ج 2، ص 206.

3- (3) سفینه البحار، ج 1، ص 380.

4- (4) سیره ابن هشام، ج 1، ص 199.

خدیجه و این مثل خدیجه صدقتی حین یکذبنی الناس و ایدتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها ان الله عز و جل امرنی ان ابشر خدیجه بیبت فی الجنه من قصر الزمرد لا- صععب فیه و لا- نصب»؛(1) خدیجه؟! و کجاست مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیب کردند، مرا تصدیق کرد. بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اشتاق الجنه إلى أربع من النساء: مريم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم زوجه فرعون و هی زوجه النبی، فی الجنه و خدیجه بنت خویلد زوجه النبی فی الدنيا و آخره و فاطمه بنت محمد؛(2) بهشت مشتاق چهار زن است: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون که در بهشت همسر پیامبر است، خدیجه علیها السلام دختر خویلد همسر رسول خدا در دنیا و آخرت و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

حضرت خدیجه علیها السلام در گفتار ائمه معصومین علیهم السلام

حضرت خدیجه علیها السلام دارای مقام بسیار بالا و ارجمندی نزد ائمه اطهار علیها السلام و فرزندان آنان و بزرگان اسلام می باشد. آنان همیشه و در هر مناسبتی که

ص: 114

1- (1) سفینه البحار، همان، ص 381.

2- (2) خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص 207.

پیش می آمد، حضرت خدیجه علیها السلام را مایه افتخار خود می دانستند و از آن حضرت با عزت و عظمت یاد می کردند.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جده من خدیجه علیها السلام دختر خویند است؟» (1)

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که با معاویه مناظره می کرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و سعادت و خوشبختی خود به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرد و فرمود:

معاویه! چون مادر تو «هند» و مادر بزرگت «نثیله» است [و در دامن چنین زن پست و فرومایه ای پرورش یافته ای] این گونه اعمال زشت و ناپسند از تو سر می زند. سعادت خانواده من به سبب تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون حضرت خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام است. (2)

همچنین آن حضرت خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه ام؟»

امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید در دمشق در حضور سران و بزرگان شام در آن خطبه معروف، خود را این چنین معرفی می کند:

«انا بن خدیجه الکبری؛ من پسر خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام هستم.»

حضرت زینب علیها السلام در کربلا و در روز یازدهم محرم سال 61 هـ - جری کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان، مطالبی جانسوز گفت، از جمله پس از ذکر نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام از خدیجه علیها السلام یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ باد.»

ص: 115

1- (1) بحار الانوار، ج 44، ص 318.

2- (2) طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 282.

زیدبن علی علیه السلام که انقلاب و شورش عظیمی بر ضد حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک بر پا نمود و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر دشمن، چنین احتجاج می کند: «و نحن احق بالموده، ابونا رسول الله وجدتنا خدیجه...»؛

«... و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم، چرا که پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جده ما خدیجه علیها السلام است.»

حتی عبدالله بن زبیر(1) که با خاندان رسالت دشمنی می کرد؛ در گفت و گویی با ابن عباس از انتساب خود به حضرت خدیجه سخن می گوید و به آن بانوی بزرگوار به عنوان عمه اش افتخار نموده، می گوید: «الست تعلم ان عمتی خدیجه سیده نساء العالمین؛ آیا نمی دانی که عمه ام خدیجه علیها السلام سرور بانوان جهان است؟»(2)

در زمان امامت امام حسن علیه السلام پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در آنجا ماند، و از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه ای خواند و در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در مجلس حاضر بودند. وقتی امام حسین علیه السلام برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن علیه السلام دست برادرش را گرفت و او را به بردباری دعوت کرد و خود برخاست و فرمود:

«ای آنکه علی علیه السلام را به بدی یاد کردی! منم حسن و پدرم علی علیه السلام است، و تو معاویه و پدرت ابوسفیان است. مادر من فاطمه علیها السلام. و مادر

ص: 116

1- (1) بنا بر نقل برخی از توایخ عوام، برادر حضرت خدیجه علیها السلام بوده است.

2- (2) شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 325.

تو هند جگرخوار است. جد من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جد تو حرب است، جد من خدیجه علیها السلام (بانوی بزرگ اسلام) ولی جد تو نثیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند آن کس را که نامش پلید و حسب و نسبش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است. (1)

ص: 117

1- (1) خدیجه علیها السلام اسطوره مقاومت و ایثار، ص 201.

حضرت خدیجه علیها السلام چند روز پس از اتمام دوران سخت و پر مشقت محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب به امراض و ناراحتی های جسمانی مبتلا شد. هر روز که می گذشت حال آن بانوی بزرگ و خیم تر و جسمش بیشتر تحلیل می رفت و احساس می کرد که روزهای پایانی عمرش را می گذراند و به زودی از دنیا خواهد رفت.

در یکی از همین روزها که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر بالینش نشسته بود، رو به آن حضرت کرد و عرض نمود: یا رسول الله! چند وصیت دارم. اول اینکه اگر من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کنی.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی. در خانه ام بسیار خسته شدی و اموات را در راه خدا مصرف کردی.»

در کلامی دیگر عرض کرد: یا رسول الله! وصیت دوم من این است که مواظب این دختر باشید! (به فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرد). چون او بعد از من یتیم و غریب خواهد شد. مبادا کسی از زنان قریش به او آزار رساند. مبادا کسی به صورتش سیلی بزند. مبادا کسی بر او فریاد کشد. مبادا کسی با او برخورد غیر ملایم و زننده ای داشته باشد.

اما وصیت سوم را شرم دارم که بگویم، آن را به فاطمه علیها السلام عرض می کنم تا او برایت بازگو کند. سپس حضرت فاطمه را خواست و به او فرمود: «ای نور چشمم! به پدرت رسول الله بگو مادرم می گوید: «من از قبر در هراسم، از تو می خواهم مرا در عبایی کفن کنی که هنگام نزول وحی به تن داشتی.»

آنگاه فاطمه زهرا علیها السلام از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن عبا را برای خدیجه علیها السلام فرستاد و او بسیار خوشحال شد.

وفات حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام پس از حدود 25 سال زندگی پر فراز و نشیب با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یک عمر تلاش و کوشش و همراهی و اطاعت پذیری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر اثر کسالتی که بر او عارض شده بود، دار فانی را وداع گفت و برای همیشه چشم از دنیا فرو بست.

درگذشت حضرت خدیجه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار گران بود و غم سنگین دیگری بر غم هایش افزوده شد. چرا که هنوز 35 روزی از مرگ جناب ابوطالب، عمو و بزرگ ترین حامی اش نگذشته بود که حضرت خدیجه، همسر با وفایش نیز از دنیا رفت. مورخین در مورد تاریخ وفات حضرت خدیجه اقوال مختلفی ذکر کرده اند، از قبیل پنج سال قبل از بعثت، چهار سال قبل از بعثت، سه سال قبل از هجرت و برخی هم سه سال قبل از معراج ذکر کرده اند. اما معروف این است که خدیجه علیها السلام در 65 سالگی و در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت (1) بعد از نماز صبح (2) جان به جان آفرین تسلیم کرد و از دنیا رفت.

پس از رحلت بانوی ایثار و مهربانی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر بالینش نشست و در فراقش می گریست. ناگهان جبرئیل در حالی که کفنی از بهشت به همراه آورده

ص: 122

1- (1) بحار الانوار، ج 19، ص 14.

2- (2) سیره نبویه، ج 2، ص 132.

بود، نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله، خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: خدیجه اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را بر عهده بگیریم.»

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً خدیجه علیها السلام را غسل داد، حنوط کرد و با پارچه ای که جبرئیل از طرف خداوند برای خدیجه علیها السلام آورده بود، کفن نمود. (1) سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همراه با عده زیادی از مسلمان آن بزرگ بانو را تا قبرستان حجون تشییع کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که اشک از چشمانش جاری بود، وارد قبر شد و در آن خوابید (2) و برای خدیجه علیها السلام دعا کرد. بعد برخاست و با دست خویش همسرش را در لحد نهاد (3) و آنگاه سنگ لحد را در جایش استوار ساخت.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه برگشت، فاطمه علیها السلام به دور پدر می‌گشت و می‌گفت: پدر جان! مادرم کجا است؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم متحیر بود که جواب او را چه بگوید. در این موقع جبرئیل نازل شد و گفت: «در پاسخ فاطمه بگو: مادرت با کمال آرامش و راحتی در کاخی که از زبر جد ساخته شده زندگی می‌کند» (4).

بنا به نقل علامه مجلسی، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از این واقعه، مدتی خانه نشین شد و کمتر از خانه بیرون می‌رفت. (5)

ص: 123

-
- 1- (1) در آن زمان هنوز نماز میت واجب نشده بود.
 - 2- (2) سیره اعلام نبلاء، ج 2، ص 11؛ کشف الغمه، ج 1، ص 511.
 - 3- (3) تاریخ طبری، ج 4، ص 593.
 - 4- (4) بحار الانوار، ج 16، ص 1.
 - 5- (5) بحار الانوار، همان، ص 21.

با درگذشت ابوطالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو حامی و پشتوانه مهم خود را به فاصله حدود یک ماه از دست داد و هر روز، زندگی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخت تر می شد.

سیادت، اقتدار و نفوذی که ابوطالب در بین مردم مکه و خصوصاً بنی هاشم داشت، مانع هر گونه تعرض به جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شد. همه می دانستند که ابوطالب بزرگ ترین حامی و پشتوانه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و شخصیت با نفوذ و قدرتمندی است که مردم مکه او را به بزرگی می شناسند و بنی هاشم از او حرف شنوی دارند. ابوطالب مدافع سر سخت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود و می توانست در مقابل هر توطئه ای که علیه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم صورت می گرفت، مقاومت و مقابله نماید.

دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند که اگر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تعرض کنند یا به او آسیبی برسانند، ابوطالب به دفاع از پیامبر خدا برخواید خواست و کسی توان مقابله و ایستادگی در مقابل او را نخواهد داشت و اگر هم مقاومتی صورت گیرد، جنگ های طایفه ای و قبیله ای در مکه شروع می شد و سال های متمادی ادامه می یافت و صدها نفر کشته برجا خواهد گذاشت، بنابراین از این موضوع به شدت می ترسیدند.

از جهت دیگر، خدیجه علیها السلام بزرگ ترین حامی و پشتوانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه بود. آن حضرت هر گاه از آزارها و اذیت های قریش آزرده خاطر می شد و با روحی خسته و دلی شکسته به خانه بر می گشت، خدیجه علیها السلام در خانه، مایه آرامش خاطر و آسایش زندگی اش بود و محیط خانه را از چنان فضای آرام و دلی نشینی برخوردار می نمود که خستگی را از تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می زدود و آن حضرت تمام سختی ها و آزار و اذیت های بیرون خانه را فراموش می کرد.

با درگذشت حضرت خدیجه، آرامش و آسایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه از دست رفت و با درگذشت حضرت ابوطالب مهم ترین و قوی ترین پشتوانه اجتماعی اش را از دست داد. در آن سال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان آن قدر محزون و ناراحت شدند که آن سال را «عام الحزن»؛ سال غم و اندوه، نام نهادند و در واقع یک سال عزای عمومی اعلام گردید. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره می فرمودند: «تا زمانی که ابوطالب و خدیجه زنده بودند، هرگز غم و اندوهی به دلم راه نمی دادم.» (2)

پس از رحلت ابوطالب، کفار و مشرکین بدون ترس و نگرانی، با جرأت و جسارت بیشتری به آزار و اذیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان می پرداختند و از آن پس ترس و نگرانی از ابوطالب نداشتند.

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از یکی از کوچه های مکه عبور می کرد، ناگاه یکی از بت پرستان به دستور ابوجهل، ظرفی پر از خاکروبه را بر سر و صورت آن حضرت ریخت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با همان سر و صورت خاکی وارد خانه شد، سر و صورتش را شست و تک و تنها در گوشه خانه نشست. پیش از آن هر گاه چنین حوادث تلخی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق می افتاد، وقتی وارد خانه می شد، خدیجه علیها السلام با مهر و محبت به استقبالش می رفت، سر و صورتش را می شست و با رفتار پر عطف و مهربانش، مرهمی بر زخم های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گذاشت.

به هر حال آزار و اذیت های قریش هر روز شدت می یافت و ادامه زندگی را در مکه بر آن حضرت سخت کرده بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این نتیجه رسید که

ص: 125

1- (1) مستدرک، سفینه، ج 3، ص 31.

2- (2) اربلی، کشف الغمه، ج 1، ص 16؛ محدث قمی، کحل البصر، ص 55.

دیگر نه در خانه آرامش دارد و نه در بیرون از خانه امنیتی هست و باید هر چه زودتر مکه را ترک و به جای دیگری مهاجرت کند تا اسلام را به پذیرند و از ایشان حمایت کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یک ماه بعد از درگذشت حضرت خدیجه، در آخر ماه شوال همان سال، جهت دعوت مردم طایف همراه با زید بن حارثه به آن شهر سفر کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زید، ده روز در میان مردم طایف ماندند. در این ده روز با بزرگان طایف و مردم مختلف صحبت کردند و اسلام را بر آنها عرضه داشتند، اما در این مدت، حتی یک نفر هم ایمان نیاورد. بدتر اینکه بزرگان طائف، کودکان خردسال، بردگان و دیوانگان را وادار کردند هر جا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می رفت با سنگ و چوب به دنبالش بیفتند و از آنجا بیرونش کنند. آنان آن قدر بر بدن و سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سنگ زدند که گاه زید بن حارثه خود را جلوی بدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می انداخت تا آسیب کمتری به آن حضرت برسد. بعدها پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن روزها به عنوان سخت ترین روزهای زندگی اش یاد می کرد.

سرانجام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و زید بن حارثه مجبور شدند طایف را ترک کنند و به مکه بازگردند. وقتی به نزدیکی غار حرا رسیدند، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نگران ورود به مکه بود، بنابراین فرستاده ای نزد برخی از جوانمردان مکه فرستاد و از آنان جهت ترویج اسلام طلب یاری نمود. نتیجه اینکه تنها «مطعم بن عدی» پذیرفت تا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حمایت نماید. مطعم فرزندان و بستگانش را مسلح نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با حمایت آنها وارد کعبه شد و پس از طواف و اقامه نماز به خانه برگشت. وضعیت در مکه بسیار بدتر از قبل شده بود و مشرکان بدون هیچ ترس و واهمه ای، عرصه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنگ کرده بودند. ابولهب که بعد از رحلت ابوطالب خود را بزرگ بنی هاشم می دانست، به همراه همسرش ام جمیل بیش از دیگران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را اذیت می کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سران و بزرگان طوایف مختلف در اطراف مکه مراجعه نمود؛ از جمله نزد سران و بزرگان طوائفی چون بنی کلب، بنی حذیفه، بنی عامر بن صعصعه، محارب بن خفصه، فزاره، غسان، مره، حنیفه، سلیم، بنی نصر، بنی البکاء و حارث بن کعب مراجعه کردند تا حمایت آنها را جلب نماید، اما هیچ کدام پاسخ مثبتی به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندادند(1). تا اینکه در موسم حج که عده ای از سران خزرج از مدینه به مکه آمده بودند با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ملاقات کردند و آن حضرت را به مدینه دعوت نمودند و آن حضرت نیز دعوت آنان را پذیرفت.

تمام وقایع و حوادث تاریخی نشان دهنده این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی خواستند مکه را ترک کنند، اما بعد از در گذشت حضرت ابوطالب و خدیجه علیها السلام امکان اقامت در مکه برای ایشان فراهم نبود و حتی جانش نیز در خطر قرار داشت. سر انجام نیز مجبور شدند زادگاه خود را ترک و به مدینه مهاجرت نمایند.

مرقد مطهر حضرت خدیجه علیها السلام

مرقد مطهر ام المؤمنین، خدیجه علیها السلام در قبرستان «حجون» در منطقه معلی در مکه مکرمه واقع شده است. این قبرستان از قبل از اسلام محل دفن مردگان مردم مکه بوده است. در این قبرستان، عده زیادی از صحابه، تابعین و علما و شخصیت های بزرگ اسلام دفن شده اند. از جمله افرادی که در قبرستان حجون دفن شده اند عبارتند از: عبدالمطلب، ابوطالب، ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عبدمناف، یاسر، سمیه و عده زیادی از صحابه و تابعین و شخصیت های بزرگ اسلام(2).

ص: 127

1- (1) سیره ابن هشام، ج 1، ص 424؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 348.

2- (2) سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 114.

بسیاری از مورخین نقل کرده اند که بر روی قبر حضرت خدیجه علیها السلام بقعه ای چوبی قرار داشته که مسلمانان آن را زیارت می کردند. در سال 750 هجری به دستور محمد سلیمان مصری قبه ای با سنگ های قیمتی بر روی قبر آن حضرت ساخته شد و روی قبر را با پارچه های گران قیمت می پوشاندند. پس از مدتی به علت رفت و آمد زیاد زائران برای زیارت قبر حضرت خدیجه علیها السلام خادمی جهت نظافت گنبد و بارگاه حضرت خدیجه استخدام شد و حقوق او را از موقوفات آل عثمان می پرداختند. بارگاه و قبه حضرت خدیجه در سال 1242 نیز بازسازی گردید اما در سال 1342 هجری این قبه و بارگاه همانند بسیاری دیگر از آثار اسلامی توسط وهابیون تخریب شد. (1)

آقای سنوک هور خرونیه که یکی از شرق شناسان است و در مورد مکه تحقیقات مفصلی داشته می نویسد:

مقبره خدیجه علیها السلام، همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قبرستان معلی واقع شده و دارای قبه و بارگاه بزرگی است. مردم در روزهای یازدهم هر ماه به بارگاه خدیجه علیها السلام می آیند و مجالس باشکوهی برگزار می کنند. در این مجالس یکی از سادات، مولودی خوانی می کند و در نهایت مبلغی به او می دهند و پس از مولودی خوانی، شام خوش مزه ای را که با خود به مقبره آورده اند میل می کنند. پس از صرف شام، عده ای کنار قبر در زیر قبه می نشینند و پوشش های روی قبر و فرش های گران

ص: 128

1- (1) علامه المحدث عبدالله الغازی المکی الحنفی، افاده الانام بذكر اخبار بلد الله الحرام، ج 2 ص 151.

قیمت آنجا را برای تبرک لمس می نمایند. دور قبر نیز با قفسی آهنی احاطه شده است. این مجلس تا نیمه های شب به طول می کشد. (1)

حرز حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام ارتباط عمیق و بسیار بالایی با خداوند متعال داشت. آن بانوی بزرگوار اسلام، دارای حرز (2) مخصوص به خود بود و همواره در پرتو آن رابطه خود را با خدا برقرار می ساخت. سیدبن طاووس در کتاب «منهج الدعوات» دو حرز را برای حضرت خدیجه علیها السلام نقل کرده است که عبارتند از:

1 - بسم الله الرحمن الرحيم، یا حی یا قیوم، برحمتک استغیث فاغثنی، ولا تلکنی الی نفسی طرفه عین ابداء، و اصلح لیشایب کله؛ به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم، به من پناه بده، و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار و در همه حال و زندگی مرا سامان بخش.

ص: 129

1- (1) صفحات من تاریخ المکه المکرمة عن نهایه القرن الثالث عش - ر، ج 2، صص 135-146 نقله الی العربیه و علق علیه محمد بن محمود السربانی.

2- (2) حرز، در لغت به جایی می گویند که چنان محصور و محکم باشد که اگر کسی بدان وارد شود از گزندها و خطرهای مصون بماند (خلیل بن احمد جوهری؛ ابن منظور و زبیدی، ذیل واژه حرز) و در اصطلاح به پاره ای از آیات، اذکار، اوراد و ادعیه ای گفته می شود که برای حفظ جان و مال از آسیبها می خوانده یا به صورت مکتوب با خود حمل می کرده اند. جمع حرز، احراز می باشد.

2 - بسم الله الرحمن الرحيم، يا الله يا حافظ يا حفيظ يا رقيب؛ به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدا، ای نگهبان، ای نگهدارنده و ای مراقب و پاسدار.

ص: 130

قرآن کریم.

1. اسباب النزول، الواحدی، ناشر: دارالکتب الجدیدہ الطبعہ الاولی.

2. الاستغاثه، الکوفی، أبو القاسم علی بن أحمد بن موسی ابن الإمام الجواد محمد بن علی (متوفای 352 هـ -)، ج 1، ص 70، طبق برنامه مکتبه اهل البيت عليهم السلام.

3. الاستيعاب فی اسماء الاصحاب، ابی عمر یوسف بن عبدالله بن محمد عبدالبشیر، مطبعه النهضه، مصر - قاهره، بی تا.

4. اسدالغابه فی معرفه الصحابه، عزالدین، ابی الحسن علی بن الحسن علی بن ابی الکریم الشیبانی المعروف بابن الاثیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5. الاصابه فی تمییز الصحابه احمد بن علی بن حجر العسقلانی، دارالنفصه، قاهره، و طبعه دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.

ص: 131

6. اعلام النساء فى عالمى العرب و الاسلام، عمررضا كحاله، الطبعة الخامسة، مؤسسه الرساله بيروت، 1404 ق.
7. الاعلام، خيرالدين زركلى، الطبعة الخامسة، دارالعلم للملايين، بيروت، 1980 م.
8. اعيان الشيعة، سيدمحسن امين، ناشر: دار التعارف، بيروت - لبنان.
9. افاده الانام بذكر بلدالله الحرام عبدالله الغازى المكى الحنفى.
10. بحار الانوار، علامه مجلسى، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، 1403 ق.
11. البدايه والنهايه، حافظ بن كثير.
12. تاريخ پیامبر اسلام.
13. تاريخ طبرى، محمدبن جرير طبرى، ترجمه ابوالقاسم پاينده، دارالكتاب، قم، بى تا.
14. تاريخ يعقوبى، يعقوبى، ناشر: مؤسسه الاعلمى، بيروت - لبنان.
15. تفسير نمونه.
16. تنقيح المقال، المامقانى، تحقيق الشيخ محى الدين المامقانى، الطبعة الاولى، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
17. جامع البيان.
18. جمهره الانساب.

19. حيوه القلوب، علامه مجلسى، تحقيق سيد على اماميان، انتشارات سرور، 1376 هـ. ش.
20. خديجه اسطوره ايتار و مقاومت، محمد مهدى اشتهااردى، نشر نبوى، تهران، 1377 ش.
21. خديجه ام المؤمنين.
22. خديجه سلام الله عليها، على محمد دخيل.
23. دارالارقم بين ابى الارقم، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل البخارى الجعفى، بيروت، بى تا.
24. دلائل النبوه، الأصبهاني، أبو القاسم اسماعيل بن محمد بن الفضل التيمى (متوفى 535 هـ -). تحقيق: محمد محمد الحداد، ناشر: دار طيبه - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409 هـ -.
25. ذخائر العقبى، احمد بين عبدالله طبرى، ناشر: مكتبه القدسى، قاهره وداره المعرفه - بيروت - لبنان.
26. رياحين الشريعه.
27. سبل الهدى و الرشاد فى سيره خيرالعباد، محمد يوسف الشامى، تحقيق مصطفى عبدالواحد، بى تا، بى جا.
28. سفينه البحار، شيخ على نمازى شاهرودى، تحقيق شيخ حسن نمازى، ناشر: النشر الاسلامى، قم.

29. سنن ابى داوود، محمد ناصرالدين الالبانى، الطبعة الاولى، مكتبة المعارف، رياض، 1998.
30. سير اعلام النبلاء، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان الذهبي، بيروت، بي جا، 1982 م.
31. سيره النبويه لابن هشام، ابن اسحاق، تحقيق مصطفى الصفا، الطبعة الثانية، بي جا، 1955 م.
32. سيره النبى، عبدالملك بن هشام، ترجمه رفيع الدين اسحاق بن محمد همدانى (قاضى ابرقو) تصحيح اصغر مهدوى، تهران، انتشارات خوارزمى، 1360 ش.
33. السيره الحلبيه، الحلبي، ناشر: دار المعرفه بيروت - لبنان.
34. سيره رسول الله، ويراسته، رفيع الدين اسحاق همدانى، مدرسى صادق، چاپ دوم، بي جا، 1375 ش.
35. شجره طوبى.
36. شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، دار الكتب العربى، بيروت - لبنان.
37. صحيح مسلم، ابى الحسين مسلم ابن الحجاج القشيري النيشابورى، بين الافكار الدوليه، رياض، 1998 م.
38. صفحات من تاريخ المكه المكرمه عن نهايه القرن الثالث عشر، نقله الى العربيه وعلق عليه محمد بن محمود السريانى، مطبوعات نادى مكه الثقافى الدينى.

39. الطبقات الكبرى، ابن سعد، دار بيروت لطباعة و النشر، بيروت، 1986 م.

40. عوالم العلوم.

41. فروع كافي.

42. الفصول المهمة في معرفه احوال الائمة عليه السلام، ابن صباغ المالكي، ناشر: دار الاضواء بيروت - لبنان.

43. الكامل في التاريخ، ابي الحسين علي بن ابي الكرم محمد بن محمد الشيباني المعروف بابن الاثير الجوزي، طبعه السادسة، دارالكتاب العربي، بيروت 1986 م.

44. الكامل في الغه و الادب، المبرد، تعليق محمد ابوالفضل ابراهيم، دارالفكر العربي، قاهره، بي تا.

45. كحل البصر في سيره سيد البشر، شيخ عباس قمي، ناشر: مؤسسه الوفاء، بيروت - لبنان.

46. كشف الغمه، ابن ابي الفتح اربلي، الطبعه الثانيه، ناشر: دار الاضواء بيروت - لبنان.

47. مستدرک حاکم.

48. مستدرک سفینه البحار.

49. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ناشر: مؤسسه نشر اسلامي، قم.

50. مناسک حج، شيخ انصاري رحمه الله.

ص: 135

51. مناقب آل ابيطالب، ابن شهر آشوب، نجف اشرف، ناشر: المكتبة الحيدريه، النجف الاشرف.
52. نساء اهل البيت فى ضوء القرآن و السنه، احمد خليل جمعه، انتشارات اليمامه، بيروت، بى چا، 1982 م.
53. نهايه الادب، النوير، الناشر: الهيئه المصريه.
54. نهج البلاغه محمد بن عبده.
55. نهج البلاغه، سيد رضى، خطبه 192، ترجمه عبد المحمد آيتى. دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
56. الوفاء باحوال المصطفى، سبط ابن الجوزى، دارالكتب الحديثه، بيروت - لبنان.
57. همچنين ر. ك: السيره الحلبيه، على بن برهان الدين الحلبى، مطبعه البايى الحلبى، مصر، الطبعة الاولى، 1986 م.
58. http://en.wikipedia.org/wiki/destruction_of_sites_associated_with_early_Islam_

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

